





ادامه یادداشت روز

حضور صدها معترض مسلح در برابر یک تغییر و تبدیلی ساده حکومتی از همین بی‌اعتمادی گسترده ریشه می‌گیرد. در چند روز گذشته فضای در افغانستان شکل گرفت که پیامد جز تضعیف اقتدار و مشروعیت حکومت و چاق شدن ستیز میان جامعه و دولت نداشت.

شنیدن اعتراض و تمکین به مطالبات مردم باید اولین گزینه باشد، نه آخرین گزینه. برای حکومت‌های مردم‌سالار این یک امتیاز است، نه باخت. در تنش پیش‌آمده در فاریاب نیازی نبود که حکومت بر سر تعیین یک والی تا جایی پیش می‌رفت که شدیداً وجهه و حکومت و اقتدار دولت را چنین خدشه‌دار می‌کرد. ارگ در یک محاسبه اشتباه، اعتراض مسالمت‌آمیز شهروندان فاریاب را نادیده و نوعی ضعف اتوریته تلقی کرد. چنین بود که اعتراض شهروندی سر از اعتراض مسلحانه بیرون کرد و حکومت ناگزیر به عقب‌نشینی و حاضر به قبول مطالبه معترضان شد. حکومت‌داری با تصمیم‌گیری درست، منطقی و حمایت شهروندان حاصل می‌شود. اگر حکومت قرار باشد تنها اعتراض با سر نیزه را ببیند، این رویه می‌تواند در افغانستان فراگیر شود. در این صورت زورگویان محلی بیشتری ترغیب می‌شوند که نظم مبتنی بر قانون اساسی را به حاشیه بکشاند و راه دولت‌ستیزی را در پیش بگیرند.



افغانستان در وضعیت شکننده قرار دارد. اندک غفلت می‌تواند جرقه فروپاشی را کلید بزند. در این اوضاع مهم‌ترین مأموریت حکومت و نیروهای سیاسی افغانستان انسجام و همبستگی مردم است. کوبیدن بر طبل بی‌اعتمادی و راه‌رفتن روی پیوستار گسست خطر سقوط افغانستان را در کام یک هرج‌ومرج سیاسی سرعت می‌بخشد. زیرا افغانستان کشوری بی‌ثبات است و بی‌ثباتی در هر جامعه‌ای یک معضل کلان است. هر قدر که جامعه به سمت شکاف‌های قومی پیش برود، به همان میزان عقده‌ها تشدید می‌شوند و خصومت‌ها افزایش می‌یابد. افغانستان تجربه‌ی وحشتناک جنگ‌های تنظیمی و داخلی را داشته است. به روشنی قابل درک است که اگر شکاف‌های قومی عمیق شود و زمینه برای تشدید خصومت‌ها و عقده‌های تاریخی بازتر شود، یکی از پیامدهای آن بروز جنگ داخلی است.

در وضعیتی که جنگ تمام افغانستان را فرا گرفته و طالبان کمر بسته تا فاتحه جمهوری را بخواند، نیروهای طرفدار جمهوری درون و بیرون حکومت نباید در نزاع‌های درگیر شوند که تنها طالبان از آن نفع می‌برند. در همین ده روز که بر سر تعیین یک مأمور حکومتی یک ولایت به آشوب کشانده شده بود، طالبان چندین ولسوالی را سقوط دادند و تا دروازه چندین ولایت رسیدند. بنابراین از رفتارهایی که سبب افتراق می‌شود پرهیز شود. باید پیام و پیامد حکومت‌داری به‌گونه‌ای باشد که همبستگی اجتماعی و سیاسی را تقویت کند. کشاندن افغانستان به کام افتراق قومی و سیاسی برای تغییر و تبدیل یک مأمور حکومتی هیاو برای هیچ است که هیچ خرد سیاسی آن را نمی‌پذیرد.

اعضای هیأت مذاکره‌کننده دولت:

## طالبان برای رسیدن به توافق صلح تمایل نشان نمی‌دهند

طبق اظهارات او، جامعه‌ی جهانی و کشورهای منطقه طرفدار تحقق صلح پایدار در افغانستان هستند. او تأکید کرده است که با خروج نظامیان خارجی از افغانستان، بهانه‌ای نزد طالبان برای ادامه‌ی جنگ باقی نمانده است. این درحالی است که هیأت‌های مذاکره‌کننده‌ی دولت و طالبان در جریان عید سعید فطر در دوحه دیدار و بر آغاز مذاکرات پس از عید فطر تأکید کرده بودند.

جمهوری اسلامی افغانستان که به‌گفته‌ی او، از کثرت و تنوع مردم افغانستان به خوبی نمایندگی کرده و اراده‌ی مردم افغانستان را برای پایان جنگ و رسیدن به صلح به اثبات رسانیده‌اند، قدردانی کرده است. آقای عبدالله گفته است: «برای گفت‌وگوهای صلح اجماع داخلی شکل گرفته و همزمان بسیج مردمی در حمایت از نظام و دستاوردهای دو دهه‌ی اخیر وجود دارد.»

میز مذاکره فرار می‌کنند. اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان ضمن ارائه‌ی گزارش در مورد آخرین پیشرفت‌ها و تحولات نشست دوحه، یک‌جانبه‌گرایی و بهانه‌جویی طالبان را مانع اصلی به نتیجه رسیدن مذاکرات عنوان کرده‌اند. آنان در عین حال از ادامه‌ی گفت‌وگوها طی روزهای آینده سخن گفته‌اند. در همین حال، عبدالله عبدالله از تلاش‌های هیأت مذاکره‌کننده‌ی

اطلاعات روز: شماری از اعضای هیأت مذاکره‌کننده‌ی جمهوری اسلامی افغانستان در دیدار با عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی گفته‌اند که گروه طالبان تمایلی به رسیدن به توافق صلح نشان نمی‌دهند. در این دیدار که دیروز (سه‌شنبه، ۴ جوزا) در قصر سپیدار انجام شده، اعضای هیأت مذاکره‌کننده همچنین گفته‌اند که طالبان حاضر نمی‌شوند روی موارد اختلافی بحث کنند، بلکه از

حاکمیت قانون و دسترسی به عدالت؛

## آلمان به ارزش ۶,۵ میلیون یورو به افغانستان کمک می‌کند

باشند حق خود را از دولت‌ها و حکومت‌ها مطالبه کنند. اشمیت همچنین گفته است که کشورش در بخش تأمین حقوق زنان به‌ویژه در بخش‌های دور دست افغانستان نیز کار می‌کند و این موافقت‌نامه همکاری‌های دوجانبه را میان وزارت عدلیه و دفتر همکاری‌های آلمان تنظیم می‌کند. او در ادامه افزوده است که براساس تصمیم وزارت خارجه‌ی آلمان، پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان، همکاری‌های آلمان با افغانستان در بخش‌های مختلف ادامه خواهد داشت.

آقای معنوی همچنین گفته است که براساس این موافقت‌نامه، همکاری‌های آلمان در بخش دسترسی مردم به‌ویژه زنان به عدالت و حاکمیت قانون با وزارت عدلیه تا سال ۲۰۲۳ میلادی ادامه می‌یابد و پس از آن نیز همکاری‌ها قطع نخواهد شد. در همین حال، برند میسر اشمیت، رییس پروژه‌ی حمایت از حاکمیت قانون دفتر همکاری‌های انکشافی آلمان گفته است که بحث حاکمیت قانون یک موضوع جهانی است تا با آن حقوق همه افراد به‌صورت یکسان تأمین شود و آن‌ها فرصت داشته

رسیدگی به قضایای حقوقی که یک طرف آن خانم‌ها باشند، تهیه و تطبیق طرح‌های انکشافی برای ریاست‌های عدلیه، تهیه و نشر قوانین مربوط به زنان و ارتقای ظرفیت کارکنان ادارات حقوق به‌منظور رسیدگی بهتر به قضایا به‌عنوان شاخص تعیین شده است. فضل‌احمد معنوی، وزیر عدلیه گفته است که امضای این موافقت‌نامه به معنای این است که با خروج نیروهای خارجی از افغانستان، همکاری‌های جامعه جهانی با این کشور همچنین ادامه دارد.

اطلاعات روز: دولت آلمان افغانستان را به ارزش مبلغ ۴,۵ میلیون یورو در راستای حاکمیت قانون، افزایش دسترسی به عدالت، افزایش آگاهی حقوقی شهروندان به‌ویژه زنان و بهبود وضعیت نهادهای عدلی و پولیس کمک می‌کند. در خبرنامه‌ی وزارت عدلیه آمده است که موافقت‌نامه‌ی اجرای همکاری‌های تخنیکی میان این وزارت و دفتر همکاری‌های انکشافی آلمان (GIZ) دیروز (سه‌شنبه، ۴ جوزا) در کابل امضا شده است. در این موافقت‌نامه، افزایش ۳۰ درصدی

## آستریا سفارت خود در کابل را به‌گونه‌ی موقت مسدود می‌کند

نماینده‌ی‌های سیاسی و مصونیت کارکنان دیپلماتیک کشورهای خارجی متعهد و مکلف می‌دانند. آستریا همزمان با خروج نیروهای خارجی از افغانستان تصمیم گرفته است سفارت خود در کابل را مسدود کند. خروج این نیروها در اول ماه می آغاز شده و قرار است تا ۱۱ ماه سپتامبر سال جاری میلادی کامل شود.

بااهمیت می‌دانیم.» وزارت خارجه‌ی افغانستان ابراز امیدواری کرده است که دولت آستریا این اقدام موقتی‌اش را به‌زودی مورد بازنگری قرار بدهد و حضور دایمی سفارت آن کشور در کابل مانند گذشته ادامه یابد. وزارت خارجه افزوده است که براساس قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی و در چارچوب توافقات با دولت‌های دوست، دولت افغانستان خود را به تأمین امنیت

از حمایت‌ها و همکاری‌های همه‌جانبه‌ی آستریا با مردم و دولت افغانستان در دو دهه‌ی گذشته قدردانی می‌کند. در این اعلامیه آمده است: «ما تجدید تعهد آستریا را برای ادامه‌ی حمایت‌ها و مساعدت‌هایش به افغانستان به دیده‌ی قدر نگرسته و تحقق این تعهدات را در راستای مبارزه با تروریسم، استقرار صلح و ثبات در افغانستان و تداوم همکاری‌های استراتژیک میان دو کشور

اطلاعات روز: وزارت خارجه‌ی افغانستان اعلام کرده است که دولت آستریا با توجه به شرایط امنیتی، تصمیم گرفته است که سفارت خود در کابل را به‌گونه‌ی موقت مسدود کند. وزارت خارجه دیروز (سه‌شنبه، ۴ جوزا) در اعلامیه‌ای گفته است که از این تصمیم آستریا آگاهی دارد و به آن احترام می‌گذارد. این وزارت در عین حال گفته است که

## سازمان ملل و سازمان‌های غیردولتی برای ارائه‌ی خدمات بشردوستانه در افغانستان می‌مانند



افراد مددسران و مکان‌های غیرنظامی از جمله مکاتب و شفاخانه‌ها حفاظت کنند تا کمک‌های لازم به افراد نیازمند در مناطقی که از همه‌گیری کرونا، نبود مصونیت غذایی، درگیری و خشک‌سالی آسیب دیده‌اند، فراهم شود.

آنها از جامعه جهانی و کشورهای کمک‌کننده خواسته‌اند تا هرچه زودتر بودجه‌ی کمک‌های بشردوستانه برای افغانستان را آزاد و آنرا افزایش دهند. در اعلامیه از طرف‌های درگیر در جنگ نیز خواسته شده است که از غیرنظامیان،

مکان‌های اصلی زندگی‌شان بی‌جا شده‌اند. با این حال، سازمان ملل و دیگر سازمان‌های غیردولتی که شمارشان در این اعلامیه حدود ۱۶۵ سازمان ذکر شده است، گفته‌اند که در جریان سال گذشته به کارشان ادامه داده و توانسته‌اند به حدود ۱۲ میلیون فرد نیازمند رسیدگی کنند. به‌گفته‌ی این سازمان‌ها، بودجه‌ی کم و چالش‌های عملیاتی نتوانسته مانع فعالیت آنها شود و با وجود این چالش‌ها در سه ماه نخست سال جاری میلادی به ۳,۷ میلیون نفر کمک‌رسانی کرده‌اند. این سازمان‌ها در اعلامیه‌ی مشترکشان گفته‌اند که در سال جاری به ۱,۳ میلیارد دلار برای کمک به ۱۵,۷ میلیون نفر نیازمند، ضرورت دارند، اما تا کنون تنها ۱۳ درصد این بودجه (۱۶۶,۸ میلیون دلار) را دریافت کرده‌اند.

اطلاعات روز: سازمان ملل متحد و شماری از سازمان‌های غیردولتی در یک اعلامیه‌ی مشترک گفته‌اند که برای رساندن کمک‌های بشردوستانه به میلیون‌ها فرد نیازمند در افغانستان، به حضورشان در این کشور ادامه می‌دهند. در این اعلامیه‌ی مشترک آمده است که ادامه‌ی درگیری‌ها، نبود مصونیت غذایی و تأثیر همه‌گیری ویروس کرونا شمار افراد نیازمند در افغانستان را از ۹,۴ میلیون نفر در سال ۲۰۲۰ به ۱۸,۴ میلیون نفر در سال ۲۰۲۱ میلادی افزایش داده است. در این اعلامیه ضمن ابراز نگرانی نسبت به ادامه‌ی خشونت‌ها و تلفات غیرنظامیان در افغانستان، همچنین گفته شده است که در یک سال گذشته، بیش از ۱۰۰ هزار نفر به‌دلیل درگیری‌ها در سراسر افغانستان از

## کماندوهای ارتش ۱ نفر را از یک زندان طالبان در هرات رها کردند

احمد شکیب افضل‌زاده، یکی از اسیران در نزد طالبان پیشتر در مصاحبه با روزنامه اطلاعات روز گفته بود که طالبان با زندانیان برخورد بدی دارند و حتی آنان را شکنجه می‌کنند. از سوی هم، نیروهای کماندو ۴۱ نفر را درحالی از زندان طالبان در هرات رها کرده‌اند که این نیروها دو شب پیش هشت نظامی را از یک زندان طالبان در ولایت بغلان نیز رها کرده بودند.

آسیبی نرسیده است. گروه طالبان تا کنون در این باره چیزی نگفته است. پشتون زرغون در شرق شهر هرات، یکی از ناامن‌ترین ولسوالی‌های ولایت هرات است. گروه طالبان در بخش‌هایی از این ولسوالی حضور گسترده دارند. در تاریخ ۱۲ ماه حوت نیز نیروهای کماندو ۳۴ نفر را از یک زندان طالبان در روستای «کروچه»ی ولسوالی ادرسکن هرات رها کرده بودند.

راه‌اندازی شده است. آقای فرهاد همچنین گفت که در جریان این عملیات، هفت جنگ‌جوی طالب که از زندان این گروه محافظت می‌کردند، در درگیری با نیروهای کماندو کشته شده‌اند. او افزود که در این عملیات مقدار زیادی از تجهیزات جنگی طالبان به‌دست نیروهای شامل عملیات افتاده است. سخن‌گوی والی هرات گفت که در جریان این عملیات به نیروهای کماندو

اطلاعات روز – هرات: منابع محلی در ولایت هرات می‌گویند که در نتیجه‌ی عملیات نیروهای کماندو در ولسوالی پشتون‌زرغون این ولایت، ۴۱ نفر به‌شمول ۱۹ نظامی از یک زندان طالبان رها شده‌اند. جیلانی فرهاد، سخن‌گوی والی هرات به روزنامه اطلاعات روز گفت که این عملیات دو شب پیش (دوشنبه، ۳ جوزا) بر یک زندان طالبان در روستای «مارآباد» ولسوالی پشتون‌زرغون هرات



## چرا افراد مسن کنترل بیشتری بر احساسات خود دارند؟

تیم ورنیمن، مجله نوویل

مترجم: جلیل پژواک

وقتی جوان هستیم مهارت‌هایمان با بالا رفتن سن و تجربه بهبود می‌یابد. اما وقتی وارد بزرگسالی شدیم، احتمالا این احساس به ما دست می‌دهد که از این‌جا به بعد سرآشویی زندگی است و هر لحظه ممکن است به خط پایان برسیم. ما با گذشت هر سال فراموش‌کارتر، کندتر و کم‌انرژی‌تر می‌شویم. اما در این میان دست‌کم یک استثنا در مورد پیری وجود دارد؛ آن این‌که در قلمرو عواطف و احساسات، آدم‌ها هر چه پیرتر می‌شوند بهتر حکم می‌رانند.

«سوزان تورک چارلز»، روان‌شناس دانشگاه کالیفرنیا طی ۲۰ سال گذشته تغییر خلق و خوی، حس رضایت، لحظات اندیشناکی و هرازگاهی هجوم عصبانیت و ناراحتی و ناامیدی را در میان افرادی از تمام گروه‌های سنی مطالعه کرده است. هدف اصلی چارلز این بوده که دریابد که آدم‌ها با بزرگ‌تر شدن چگونه احساسات و عواطف را تجربه و کنترل می‌کنند. او و همکارانش دریافته‌اند که به طور میانگین افراد مسن ارتباطات اجتماعی کم‌تر اما رضایت‌بخش‌تری دارند و از بهزیستی عاطفی بالاتری خبر می‌دهند.

چه رازی در پس این نرمی پس پیری وجود دارد؟ چگونه می‌توانیم مطمئن شویم که حد‌آل‌امکان افراد بیشتری چنین تجربه‌ای را در پیری داشته باشند؟ و این مسأله در مورد افراد مسن، چه چیزی را می‌تواند به جوانان بیاموزد؟ در سال ۲۰۱۰ چارلز و روان‌شناس دانشگاه استنفورد «لورا کارستنسن» مقاله مشترکی را در مورد پیری اجتماعی و عاطفی در «گزارش سالانه روان‌شناسی» منتشر کردند. من نزد چارلز رفتم تا درباره این پدیده و یافته‌های پژوهش وی بیشتر بدانم. آنچه در ذیل می‌آید، نسخه کوتاه‌تر و ویرایش‌شده‌ی گفت‌وگوی ماست.

**چه باعث می‌شود یک دانشمند جوان تصمیم بگیرد که مشخصا در مورد احساسات و عواطف افراد مسن مطالعه کند؟**

اوایل دهه ۱۹۹۰ وقتی دانشجوی دوره لیسانس بودم، علاقه‌ام رشد و توسعه بود. ادبیات موجود آن‌زمان می‌گفت که شخصیت و احساسات انسان‌ها تا ۱۸ سالگی رشد خود را کامل می‌کنند. من این را می‌شنیدم و با خودم فکر می‌کردم که «وای یعنی در ۵۰ سال بعدی هیچ چیز در وجود ما رشد نمی‌کند و بهتر نمی‌شود؟ کل رشد همین؟» بعدا در استنفورد با «لورا کارستنسن» کلاس گرفتم و او اولین کسی بود که گفت رشد انسان‌ها بعد از ۱۸ سالگی بیشتر می‌شود. او دریافته بود که برخلاف رشد قوای جسمانی یا شناختی که ممکن است با بالا رفتن سن کاهش یابد، کنترل عواطف و تجربه اغلب با افزایش سن اگر بهتر نشود بدتر هیچ نمی‌شود. همین صحبت‌ها با او بود که مرا علاقه‌مند این حوزه کرد. من عاشق ایده مطالعه فرایندی مرتبط با پیری شدم که برخلاف بقیه فرایندهای مرتبط با پیری مشخصا زوال و انحطاط نه بلکه بهبود است.

چرا مغز در حال پیر شدن در کنترل و مدیریت احساسات بهتر می‌شود؟

برخی از دانشمندان علوم مغز و اعصاب معتقدند که چون ما با افزایش سن اطلاعات را کمی کندتر پردازش می‌کنیم، این باعث می‌شود که قبل از اقدام و به‌جای واکنش‌های عجولانه، فکر کنیم. با افزایش سن حجم کلی «لوب پیشانی» مغز، ناحیه‌ای که مسئول تنظیم احساسات، استدلال‌های پیچیده و سرعت پردازش اطلاعات است، کاهش می‌یابد. اما محققانی همچون «مارا ماتر» از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی دریافته‌اند که «قشر پیش‌پیشانی» افراد مسن هنگام پردازش احساسات نسبت به قشر پیش‌پیشانی افراد جوان فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دهد.

همچنین، پژوهش‌های زیادی نشان داده است که افراد مسن حتا بدون این‌که متوجه شوند سوگیری مثبت دارند. آن‌ها به اصطلاح با «گپ‌ها و مسائل اندک سرخ نمی‌شوند/ عرق نمی‌کنند.» ما دریافته‌ایم که یک فرد مسن اغلب اوقات بی‌خیال وضعیتی می‌شود که امکان دارد بین او و دوستان یا اعضای خانواده‌اش پیش آمده باشد و او آن‌را تجربه منفی دانسته باشد. بنابراین ما فکر می‌کنیم که آنچه بزرگ‌ترها در آن قابل‌تر می‌شوند، در واقع این است که نبردشان را بهتر انتخاب می‌کنند؛ این‌که بهتر می‌دانند غصه چه چیزی را بخورند و چه چیزی را بی‌خیال شوند. اگر به افراد مسن که از نظر ادراکی افت کرده‌اند توجه کنید، متوجه می‌شوید که توانایی ادراکی‌شان در خصوص مسائل مثبت «سستی» نمی‌کند.

**آیا سن و سال مشخصی وجود دارد که در آن ما به اوج رضایت عاطفی می‌رسیم؟**

به این بستگی دارد که از چه منظری به رضایت عاطفی نگاه می‌کنید. اما نقطه اوجی که ما از نظر بالاترین احساسات مثبت و پایین‌ترین احساسات منفی مشاهده می‌کنیم، سنین بین ۵۵ تا ۷۰ است. گذشته از آن مسأله معیار «رضایت از زندگی» پیش می‌آید که فاکتورهایی چون شادی و غم و آندوه و همچنین ارزیابی شناختی از جریان زندگی شما را در بر می‌گیرد. به همین دلیل، ما رضایت عاطفی را اغلب در میان‌سالی در درجه پایین‌تر می‌بینیم و در میان افرادی که در اوایل دهه ششم عمر خود هستند، کم‌ترین رضایت عاطفی را مشاهده می‌کنیم.



خود ارزش بیشتری قائل می‌شوند. از این‌رو افراد مسن ترجیح می‌دهند که وقت خود را با خانواده و دوستان شان بگذرانند، به جای این‌که با افراد کاملا ناآشنا (که شاید جالب شاند) آشنا شوند.

**یک مطالعه تازه در ژورنال ساینس نشان می‌دهد که شامپانزه‌ها هر چه مسن‌تر می‌شوند تمایل شان به تعاملات اجتماعی کم‌تر اما مثبت‌تر بیشتر می‌شود. بنابراین محققان نتیجه گرفته‌اند که این تحول لزوماً به این درک که زمان زیادی برای زندگی باقی نمانده، بستگی ندارد. آیا فکر می‌کنید که سازوکار پشت این تغییرات اساسی‌تر از آن چیزی است که فکر می‌کردیم؟**

من هم فکر می‌کنم که شامپانزه‌هایی که تا سن پیری زنده مانده‌اند عادت‌های سالمی در پیش گرفته‌اند که باعث افزایش عمرشان می‌شود. من فکر نمی‌کنم که شامپانزه‌ها متوجه شوند که زندگی‌شان به خط پایان نزدیک می‌شود. حدس می‌زنم دلیل دیگری دارد. چیزهای نو، تجرب نو یا محیط نو جوانان نوع انسان را تحریک می‌کند. آن‌ها هجوم احساسات را دوست دارند، آن‌ها دوست دارند ریسک کنند. این ممکن است در مورد شامپانزه‌ها نیز صدق کند و ممکن است به آن‌ها کمک کند که در جوانی بخواهند چیزهای نو را تجربه کنند، تولید مثل کنند و به سلطه و مقام برسند. اما این کار انرژی‌بر است و بنابراین وقتی پیر می‌شوند، ترجیح می‌دهند که با چیزهای آشنا و راحت سروکار داشته باشند. این کاهش یافتن سطح انرژی ممکن است در مورد انسان‌ها نیز صدق کند. علاوه بر این، «رابرت ساپولسکی»، محقق در دانشگاه استنفورد دریافت که جوړیدن در میان بابلون‌های وحشی نر پیر با استرس کم‌تر مرتبط است. شاید شامپانزه‌هایی که اجتماعی‌تر هستند و همراهانی را بر می‌گزینند که جوړیدن را دوست دارند، از مزیت این همکاری اجتماعی که همان استرس کم‌تر است بهره‌مند شوند.

ولی ما انسان‌ها مغزهای خارق‌العاده‌ای نیز داریم که به ما امکان می‌دهد به اوضاع و مسائل نگاه منطقی داشته باشیم.

**یافته‌های شما یقیناً مردم را ترغیب می‌کند تا نگرش مثبت‌تری در زندگی پیشه کنند. (همین‌طور اگر شما کسی باشید که دارد پیرتر می‌شود و خوشحال نیست، ممکن است خواندن این مطلب احساس خوبی به شما ندهد.)**

برای افرادی که خوشحال نیستند، بسیار مهم است که ببینند چگونه می‌توانند ساختار زندگی روزمره خود را طوری عیار کنند که احساس رضایت بیشتری به آن‌ها دست دهد. شاید بتوانم خطاب به همه بگویم که: وقتی دارید لیستی از رفتارهای سالم برای خودتان تهیه می‌کنید، خواب کافی و ورزش کافی و غذای درست فاکتورهای مهمی اند که اکثر مردم موافقت که در این لیست گنجانده شود، اما روابط اجتماعی چیزی است که به اندازه سطح کلسترول شما مهم است. ولی اغلب نادیده گرفته می‌شود. مطمئن شوید که در هر سن و سالی که هستید وقت خود را صرف پرورش روابط اجتماعی مفید و ارزش‌گذاری و اولویت‌دهی به دوستان نزدیک و اعضای خانواده خود کنید. یافتن هدف و معنا در زندگی نیز از اهمیت حیاتی برخوردار است. این می‌تواند برای افراد مختلف متفاوت باشد، اما یافتن یک هدف مهم و دنبال کردن آن می‌تواند به لحاظ احساسی بسیار خوشحال‌کننده و رضایت‌آور باشد.

**آیا این بدان معناست که ممکن است در زندگی خطر راحتی بیش از حد عاطفی نیز وجود داشته باشد؟**

بلی. آدم امکان دارد در زندگی خود به قدری به لحاظ عاطفی راحت شود که دیگر نخواهد با چالشی روبرو شود. اما آدم باید درگیر چالش‌های شناختی باشد. در مطالعه‌ای که اخیراً منتشر شده، ما افراد را طی هشت روز زیر نظر گرفتیم. هر شب آن‌ها

بعد از آن با افزایش سن، میزان رضایت عاطفی نیز بالا می‌رود. بنابراین بازم می‌بینیم که رضایت عاطفی بالاتر با سن و سال بالاتر ربط دارد. تنها پس از ۷۵ سالگی است که احساسات منفی دوباره به تدریج شروع به افزایش می‌کند.

**با این وجود شما در گزارش خود نوشتید که حتا صدساله‌ها در کل گزارش می‌دهند که سطح بالایی از بهزیستی عاطفی را تجربه می‌کنند. تصور می‌کنم که با این سخن برخی از افراد ممکن است این سوال را داشته باشند که آیا فقط افرادی که نگرش مثبت‌تری دارند یا با مشکلات کم‌تری روبرو بودند، طولانی‌تر عمر می‌کنند یا خیر.**

این مسأله درست است که افرادی که دارای روابط رضایت‌بخش و احساسات مثبت هستند عمر طولانی‌تری دارند. پژوهش‌گران تلاش کرده‌اند بدانند که چه چیزی می‌تواند آن‌را توضیح دهد. آن‌ها دریافته‌اند که بهزیستی روانشناختی پیوسته با سطح پایین‌تری از «هورمون استرس کورتیزول» و سلامت قلب و عروق مرتبط است. سایر محققان از این یافته آگوه گرفته و هنوز می‌بینند که پایین‌بودن هورمون مذکور در کنار سلامت قلب و عروق برای سن و سال بیشتر مفید است. بنابراین تنظیم احساسات با افزایش سن بهبود می‌یابد.

**این‌که برخی از افراد این پیشرفت‌ها را تجربه نمی‌کنند، چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟**

بیشتر افرادی که در این مطالعات پوشش یافته‌اند متعلق به گروهی است که محققان آن‌را WEIRD یا Western (غربی)، Educated (تحصیل‌کرده)، Industrialized (صنعتی)، Rich (ثروتمند) و Democratic (دموکراتیک) تعریف می‌کنند. ما همچنین می‌دانیم که این افراد نه‌تنها از جامعه WEIRD هستند بلکه اغلب از فرهنگ مسلط سفیدپوست نمایندگی می‌کنند. این مشخصات دموگرافیک به این معنا است که بسیاری از این آدم‌ها از امنیت مالی، حقوق بان‌شنستگی و سیستم‌های خدمات اجتماعی در زندگی‌شان برخوردارند و اغلب افرادی که ما مصاحبه کردیم سفیدپوست، از طبقه متوسط و دارای سطح تحصیلات بالا هستند. این افراد مسن در مقایسه با افراد جوان با وضعیت اقتصادی-اجتماعی قابل مقایسه، بسیار بهتر به نظر می‌رسیدند. اما اگر افراد مسنی که ما در مطالعات مان با آن‌ها مصاحبه کردیم در موقعیت آسیب‌پذیرتر قرار می‌داشتند، از مسکن پایدار برخوردار نمی‌بودند، با عوامل استرس‌زای مداوم روبرو بودند و یا اگر با رنج زندگی می‌کردند، ممکن بود از مطالعات خود نتیجه کنونی را نمی‌گرفتیم.

**مسکن پایدار یکی از نگرانی‌های معمول جوانان نیز است. آیا مسائلی از این دست عواملی است که ذهن آنان را تحت فشار قرار می‌دهد؟**

فکر می‌کنم آنچه واقعاً برای بهزیستی عاطفی مهم است این است که از آینده خود مطمئن باشیم و درباره آن نگران نباشیم. وقتی جوان‌تر هستیم، چیزهای زیادی برای نگرانی داریم. گاهی اوقات به شاگردانم می‌گویم: «وقتی بزرگ‌ترها می‌گویند «جوانی بهترین دوره زندگی‌ات است و تا وقتی میتوانی از آن لذت ببری» در واقع به نوعی در حق شما جفا می‌کنند.» این چنین گفته‌ها باعث می‌شود سطح پریشانی و نگرانی بسیاری از جوانان بالا برود.

استاد سابق من لورا کارستنسن در «تئوری انتخاب احساسی-اجتماعی» خود می‌گوید که چگونه هرکسی حسی درباره زمان باقیمانده زندگی خود دارد. افراد جوان‌تر که سالم هستند و توقع دارند زندگی طولانی در انتظارشان باشد، سخت کار می‌کنند و به کسب معلومات و برنامه‌ریزی برای آینده خود ارزش قائل هستند. اما افراد هر چه پیرتر می‌شوند، می‌بینند که زمان کم‌تری برای شان باقیمانده و بنابراین به اهداف عاطفی

مصاحبه می‌شدند و ما در مورد عوامل استرس‌زای آن روز از آن‌ها سوالاتی می‌پرسیدیم. از آن‌ها می‌پرسیدیم که آیا با هم جربحث کردند؟ آیا وضعیتی پیش آمد که بر سر آن میتوانستند جربحث کنند اما تصمیم گرفتند نکنند؟ آیا با مشکلی در خانه یا محل کارشان روبرو بوده‌اند؟

ما از بیش از ۲۵۰۰ نفر در مورد عوامل استرس‌زای نسبتاً جزئی که تجربه کرده‌اند، مانند مشکلی در محل کار یا مشاخره، هر شب و طی هشت روز پرسیدیم. حدود ۱۰ درصد از افراد گزارش دادند که هرگز حتا یک عامل استرس‌زا را تجربه نکرده‌اند. آن‌ها همچنین در مقایسه با کسانی که مواجهه با حداقل یک عامل استرس‌زا را گزارش داده بودند، گزارش دادند که خوشحال‌ترند. اما در کنار آن چیز دیگری که ما دریافته‌ایم این بود که همین ده درصد افراد، در آزمایش‌های شناختی نسبت به افرادی که دست‌کم یک عامل استرس‌زا را گزارش داده بودند، عملکرد بدی داشتند. این ده درصد افراد، همچنین گزارش دادند که از دیگران کمک کم‌تری دریافت کرده‌اند و نیز به دیگران کم‌تر کمک کرده‌اند و این‌که زمان بیشتری را صرف تماشای تلویزیون کرده‌اند.

بیست سال پیش ما فکر می‌کردیم که اگر روابط مثبت و سبک زندگی خاصی داشته باشیم، می‌توانیم عملکرد احساسی بهینه‌تر، عملکرد شناختی بهتر، سلامت جسمی بهتر (تر) و زندگی عالی را برای خود داشته باشیم. اما حالا معلوم شده که قضیه کمی پیچیده‌تر است. افرادی که گزارش می‌دهند از بیشترین خوشحالی در زندگی خود برخوردارند، دیده می‌شود که عملکرد شناختی ضعیفی دارند.

دلیل آن ممکن است این باشد که افرادی که هیچ عامل استرس‌زایی را در زندگی خود ندارند زمان کم‌تری را با دیگران سپری می‌کنند. افرادی را که آدم می‌شناسد و دوست‌شان دارد نیز گاهی اوقات به منبع استرس بدل می‌شوند. اما همان‌ها شما را به چالش می‌کشند و شما را درگیر فعالیت‌هایی می‌کنند که مربوط حل یک مسأله است. بنابراین اینگونه نیست که آدم بتواند در هر زمینه سلامت بهینه داشته باشد، بلکه ممکن است جابجایی‌هایی وجود داشته باشد. مثل این: «من می‌خواهم رضاکار شوم، رضاکاری به من معنای عاطفی می‌بخشد، من اهداف زیادی در زندگی دارم، اما همچنین امکان دارد با افرادی روبرو شوم که ممکن است مرا برانجانند.»

**پس آدم‌ها باید برای نوعی تعادل در زندگی‌شان تلاش کنند؟ برای رسیدن به آن تعادل چه توصیه‌ای دارید؟**

مردم قطعاً باید برای رسیدن به تعادل در زندگی تلاش کنند، اما این کار نسخه واحدی ندارد که به درد همه بخورد. برای مثال، ما می‌دانیم که افراد از داشتن روابط اجتماعی قوی سود می‌برند، اما تعداد دوستان نزدیک و مدت زمانی را که آدم‌ها با بقیه می‌گذرانند از فردی به فردی دیگر متفاوت است. ما می‌دانیم که افراد باید از نظر جسمی تحرک داشته باشند، اما برخی از افراد شنا را بر دویدن ترجیح می‌دهند. ما می‌دانیم که فعالیت‌هایی که برای برخی از افراد چالش‌برانگیز و هیجان‌آور است، برای برخی دیگر کسل‌کننده و حوصله‌سرب‌بر است. آدم‌ها برای رسیدن به تعادل باید خودشان را بشناسند و تصامیمی بگیرند که به زندگی‌شان پویایی بخشد و در این زندگی خود از نظر اجتماعی فعال باشند و به گونه‌ای درگیر فعالیت‌ها شوند که به آن‌ها احساس تعلق و احتیاج دهد. آن‌ها به فعالیت‌هایی نیاز دارند که آن‌ها را به چالش بکشد، که به موجب آن اطلاعات جدید به دست آورند و مجبور شوند این اطلاعات را به خاطر بسازند. اما این فعالیت‌ها می‌تواند یادگیری یک ساز موسیقی یا به حافظه سپردن نقشه یک پارک جدید یا حتا سردآوردن از یک دنیای مجازی در یک بازی ویدیویی باشد. آن‌ها باید فعالیت بدنی داشته باشند که سلامت و عملکرد جسمی‌شان را حفظ یا حتا تقویه کند. آن‌ها باید در مورد زندگی روزمره و نحوه زندگی خود فکر کنند تا رفتارهایی را بیاموزند که سلامت جسمی، عملکرد شناختی و بهزیستی عاطفی‌شان را بهینه کند.

**آیا برای جوانان راه یا دکمه‌ای است که آن‌را فشار دهند و سریع به برخی از مزایای عاطفی دست یابند که افراد مسن از آن در نتیجه افزایش سن و سال خود برخوردارند؟ یا باید صبوری پیشه کنند؟**

در ۱۰ سال گذشته مردم بیشتر در مورد ذهن‌آگاهی به‌عنوان استراتژی تنظیم عواطف و احساسات صحبت کرده‌اند. این ایده جالب است زیرا شما را از تمرکز بر آینده دور می‌کند و به شما یادآوری می‌کند که «حال» مهم‌ترین لحظه است. به نظر من دوری از تمرکز بر آینده و در عوض تمرکز بر حال، کاری است که افراد مسن اغلب انجام می‌دهند. اما شاید لازم باشد که به جوان‌ترها هم این کار را یادآوری کنیم. واقعا مفید است که در پایان هفته لحظه‌ای داشته باشی و با خودت بگویی «در حال حاضر همه چیز خوب پیش می‌رود. بیا و امروز فقط از همین لذت ببر.» بسیار خوب است که اگر جوانان این نکته را در نظر داشته باشند.

من فکر می‌کنم که هرچه بزرگ‌تر می‌شوم این مسأله را عمیق‌تر درک می‌کنم. و از تجربه آنچه یافته‌ایم پژوهش‌ها نشان می‌دهد همیشه لذت می‌برم.

تیم ورنیمن روزنامه‌نگار علم است و در بلجیم زندگی می‌کند.



**عابر شایگان و عصمت‌الله سروش**

یافته‌های روزنامه اطلاعات روز نشان می‌دهد که ۵۷ «قوم» و زیرشاخه‌های قومی-زبانی، بدون مبنا و اصول علمی و کارشناسانه و خلاف نظر کمیسیون ویژه‌ای که برای تشخیص و شناسایی اقوام افغانستان توظیف شده بود، در سیستم شناس‌نامه الکترونیکی به‌عنوان اقوام مستقل درج شده‌اند. همچنین اطلاعات روز دریافته است که اداره احصائیه و معلومات پس از سه‌ونیم سال از حکم ریاست‌جمهوری به یک‌بارگی در اخیر سال ۱۳۹۹ و خلاف فهرست‌های ارائه‌شده از سوی کمیسیون، تمامی سرشاخه‌ها و زیرشاخه‌های اقوام را به‌عنوان قوم مستقل در سیستم شناسنامه الکترونیکی اضافه کرد که تعداد اقوام را از ۱۴ به ۷۱ «قوم» رساند. پس از جنجالی‌شدن این مسأله، اداره احصائیه و معلومات با نشر اعلامیه‌ای گفت که تصمیم درج ۵۷ قوم براساس درخواست «مکرر» بزرگان اقوام و نظر تفسیری شورای عالی دادگاه عالی گرفته شده است. اما یافته‌های اطلاعات روز نشان می‌دهد که این اداره تشکیل کمیسیون و نظر آن را که براساس آن یک هیأت علمی و باصلاحیت اقوام ساکن در کشور را شناسایی می‌کرد، از شهروندان پنهان کرده بود. اداره ملی احصائیه و معلومات در اواخر ماه حوت ۱۳۹۹ به یک‌بارگی ۵۷ «قوم» و زیرشاخه‌های اقوام را به‌عنوان قوم مستقل در سیستم شناسنامه الکترونیکی افزود. این مسأله واکنش‌های انتقادی گسترده‌ای از مردم عادی تا مقام‌های حکومتی را در پی داشت و بسیاری‌ها آن را تجزیه اقوام غیرپشتون پنداشتند، چون به نظر آن‌ها، عمدتاً زیرشاخه‌های اقوام غیرپشتون به‌عنوان قوم مستقل درج شده‌اند، اما قبایل قوم پشتون از این امر مستثنا قرار داده شده‌اند. روزنامه اطلاعات پس از این تصمیم اداره احصائیه و معلومات، این موضوع را پیگیری کرده که این «اقوام» چگونه شناسایی و تشخیص شده است؟ روش تحقیق یا تهیه فهرست جدیدی از اقوام افغانستان چگونه بوده است؟ مبنا و معیار برای تشخیص یک قوم مستقل نزد اداره‌های تصمیم‌گیرنده چه بوده است؟ چرا پس از سه سال از حکم رییس‌جمهور غنی در این مورد، این اداره به یک‌بارگی تصمیم به درج نام‌های ۵۷ «قوم» و زیرشاخه‌های قومی در سیستم شناسنامه الکترونیکی گرفت؟

**چرا کمیسیون تشکیل شد و چه نظر داد؟**

پس از کشمکش‌های دوامدار روی درج قومیت شهروندان در شناسنامه الکترونیکی و تلاش برخی گروه‌های قومی برای به رسمیت شناخته‌شدن هویت قومی‌شان، این مسأله به دادگاه عالی راجع شد و شورای عالی این دادگاه در ۳۱ اسد ۱۳۹۶ با صدور قرار قضایی گفت که «تصریح اقوام چهارده گانه به مفهوم حصر نبوده و عبارت (سایر اقوام) شامل اقوام دیگر غیر از اقوام چهارده گانه نیز می‌گردد و درج آن در تذکره تابعیت مطابق قانون ممانعت ندارد.»

پس از آن رییس‌جمهور غنی به تاریخ ۱۴ سنبله ۱۳۹۶ کمیسویی را برای تشخیص و تثبیت اقوامی که نام‌های‌شان در قانون اساسی ذکر نشده است، توظیف کرد. این کمیسیون به ریاست وزیر پیشین عدلیه و عضویت نمایندگان باصلاحیت وزارت‌های امور سرحدات و قبایل و اطلاعات و فرهنگ، ریاست‌آکادمی علوم، اداره مرکزی احصائیه، اداره مرکزی ثبت احوال نفوس و کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی تشکیل شد.

یک ماه بعد از حکم رییس‌جمهوری این کمیسیون در آخرین جلسه خود در ۱۶ میزان ۱۳۹۶ پس از بحث و نظرخواهی از

محققان و استادان دانشگاه، به این نتیجه رسید که (۱) چهارده قومی که در قانون اساسی ذکر شده هرچند برخی از آن‌ها دارای ریشه مشترک هستند، با آن هم باید در شناسنامه الکترونیکی درج شوند؛ (۲) با توجه به این‌که هنوز تحقیق علمی و معتبر در زمینه قوم‌شناسی در افغانستان انجام نشده، درج نام (سایر اقوام) در شناسنامه الکترونیکی مشکل‌ساز می‌شود؛ و در پیشنهاد آخر، دو فهرست از اقوام افغانستان که از سوی آکادمی علوم و وزارت امور سرحدات و قبایل تهیه شده بود، به ریاست‌جمهوری ارائه شد و صلاحیت تصمیم‌گیری در مورد آن به رییس‌جمهور واگذار شد.

چند ماه بعد از ارائه گزارش کمیسیون به ریاست‌جمهوری، عبدالصیر انور وزیر پیشین عدلیه و رییس کمیسیون در پاسخ به یک مکتوب ریاست‌جمهوری نوشت که نظریات اعضای کمیسیون بر مبنای اصول علمی استوار نیست و در نهایت راه‌حلی نیز دریافت نشده است.

آقای انور افزوده که گزارش کمیسیون در نشست با حضور سرور دانش، معاون دوم رییس‌جمهوری، عبدالله عبدالله رییس اجرائیه حکومت وحدت ملی و مسئولان اداره‌های ذیربط ارائه و به بحث گرفته شد که سرانجام اعضای این جلسه تصمیم گرفتند در شناسنامه الکترونیکی نام اقوام چهارده گانه درج شود و برای تحقیق و شناسایی «سایر اقوام»، یک هیأت علمی و باصلاحیت تشکیل شود، تا بعد از تحقیق نام «سایر اقوام» در شناسنامه الکترونیکی درج شوند. اما این هیأت علمی تشکیل نشد و خلاف این فیصله و پیشنهاد کمیسیون نام‌های اقوام و زیرشاخه‌های قومی در سیستم شناسنامه الکترونیکی درج شدند.

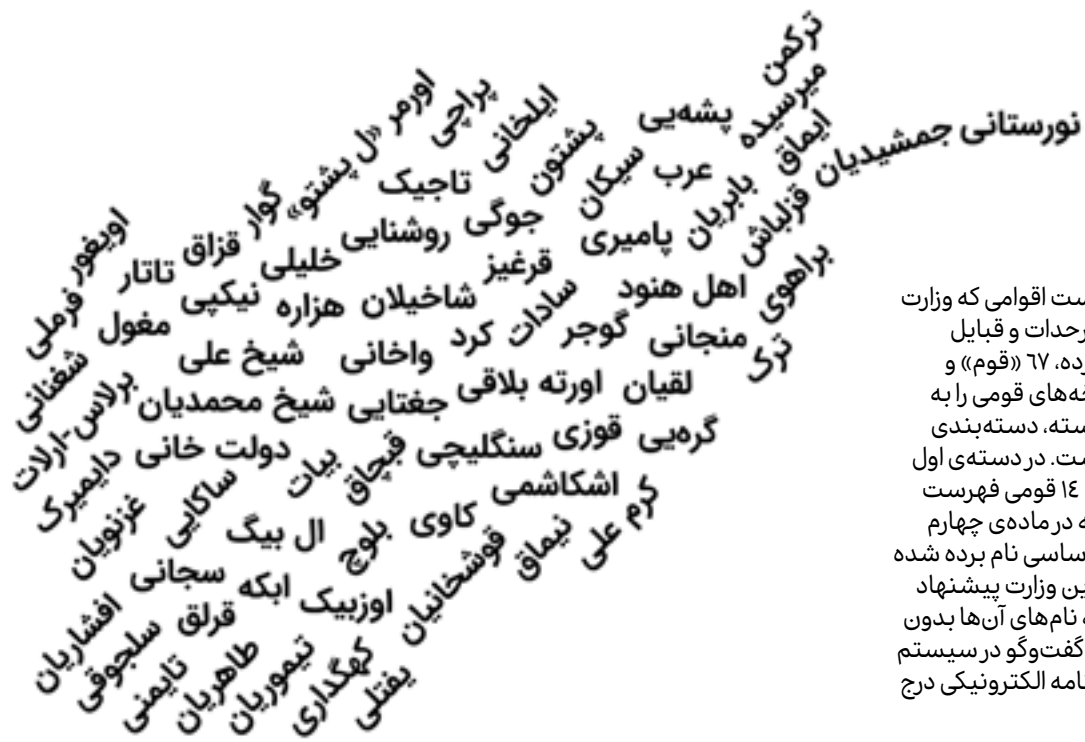
پس از ارائه گزارش اول کمیسیون و گزارش دوم وزیر پیشین عدلیه و رییس این کمیسیون، معلوم نیست که رییس‌جمهور غنی در قبال این گزارش چه تصمیم گرفت. روزنامه اطلاعات روز با تلاش‌های پیگیرانه از اداره‌های دخیل و ریاست‌جمهوری در مورد تصمیم یا هدایت بعدی رییس‌جمهور معلومات خواست، اما هیچ یکی از این اداره‌ها حاضر به پاسخ‌گویی نشدند. در سال ۱۳۹۹، اداره احصائیه و معلومات فهرست ضمیمه‌ای گزارش کمیسیون را که از سوی وزارت امور سرحدات و قبایل تهیه شده بود، در سیستم شناسنامه الکترونیکی افزود. معلوم نیست که در این مدت میان رییس‌جمهور و اداره احصائیه چه گذشته و مبنای درج اقوام و قبایل چه بوده است. آنچه به نظر می‌رسد و اعلامیه‌ی رسمی اداره احصائیه و معلومات نشان می‌دهد، پس از ارائه گزارش کمیسیون به ریاست‌جمهوری، آقای غنی هدایت جدید به این اداره نداده است چون در اعلامیه‌ی اداره احصائیه و معلومات تنها به نظر دادگاه عالی و درخواست بزرگان اقوام اشاره شده بود. اگر اداره احصائیه و معلومات بدون هدایت بعدی رییس‌جمهور دست به این اقدام زده باشد، به‌صورت خودسرانه ۵۷ قوم و زیرشاخه‌های قومی را به‌عنوان قوم مستقل در سیستم شناسنامه الکترونیکی افزوده است. اگر هم رییس‌جمهوری هدایت جدیدی مبنی به درج نام‌های اقوام براساس فهرست‌های ارائه‌شده، داده باشد باز هم خلاف نظر کمیسیون است و می‌بایست اقوام ساکن در افغانستان توسط یک هیأت علمی و باصلاحیت شناسایی شده و پس از آن درج سیستم می‌شد.

احمدطارق صدیقی، معاون اداره ملی احصائیه و معلومات در امور ثبت احوال نفوس در گفت‌وگو با اطلاعات درباره‌ی تصمیم رییس‌جمهور راجع به گزارش کمیسیون، اظهار بی‌خبری می‌کند و می‌گوید که از

**میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان گفت که اضافه‌کردن ۵۷ قوم و قبیل به‌عنوان قوم مستقل در سیستم شناسنامه الکترونیکی جامعه‌ی افغانستان را در سطح قریه ولسوالی تقسیم می‌کند و این تصمیم توسط حلقاتی گرفته شده‌اند که در پی دامن‌زدن به اختلافات قومی در افغانستان هستند.**

**گزارش تحقیقی؛**

**چگونه فهرست اقوام در شناسنامه الکترونیکی از ۱۴ به ۷۱ رسید؟**



در فهرست اقوامی که وزارت امور سرحدات و قبایل تهیه کرده، ۷ «قوم» و زیرشاخه‌های قومی را به چهار دسته، دسته‌بندی کرده است. در دسته‌ی اول نام‌های ۱۴ قومی فهرست شده که در ماده‌ی چهارم قانون اساسی نام برده شده است. این وزارت پیشنهاد کرده که نام‌های آن‌ها بدون بحث و گفت‌وگو در سیستم شناسنامه الکترونیکی درج شوند.

ریاست‌جمهوری هیچ هدایتی مبنی به درج «سایر اقوام» به این اداره نرسیده و آن‌ها فهرست اقوام را از اداره‌های ذیربط به‌ویژه وزارت سرحدات و قبایل دریافت و درج سیستم کرده‌اند.

آقای صدیقی می‌افزاید که مبنا و اساس درج ۵۷ «قوم» نزد اداره احصائیه و معلومات، درخواست مکرر این اقوام پس از تأیید قومیت آن‌ها از سوی وزارت سرحدات و قبایل بوده است: «این اقوام ده‌ها بار به‌طور کتبی و حضوری به اداره احصائیه و معلومات، وزارت سرحدات و قبایل، پارلمان، وزارت دولت در امور پارلمانی، اداره امور ریاست‌جمهوری، اداره ارگان‌های محلی و دیگر نهادها مراجعه کردند. افزون به درخواست اقوام، از پارلمان بیشتر تماس گرفته شد و خواستار درج این اقوام شدند.»

**فهرست وزارت سرحدات و قبایل چگونه تهیه شده است؟**

وزارت سرحدات و قبایل به تاریخ ۱۷ میزان ۱۳۹۸ یک گزارش شش‌صفحه‌ای را نه به‌حیث یک تحقیق علمی قوم‌شناسانه بلکه زیر عنوان «نظرات و پیشنهادات وزارت امور سرحدات و قبایل پیرامون تشخیص و شناخت سایر اقوام» به کمیسیون ارائه کرد که بعداً ضمیمه گزارش کمیسیون شده و به ریاست‌جمهوری ارائه شد. بعد از گذشت بیشتر از سه سال، اقوام و قبایل درج‌شده در این گزارش، به‌عنوان اقوام مستقل از سیستم تذکره الکترونیکی اداره احصائیه و معلومات سر برآورد.

وزارت سرحدات و قبایل در این گزارش خود گفته است که فهرست ۶۷ «قوم» را پس از مراجعه بزرگان اقوام ترتیب کرده، اما این که معیار و اصول قوم‌شناسی نزد این اداره چه بوده، اشاره‌ای نکرده است. روزنامه اطلاعات روز دو بار طی ارسال فورم درخواست اطلاعات از این وزارت خواست که معیار و مبنای تهیه این فهرست را توضیح دهد، اما این وزارت در این خصوص پاسخ نداد و تهیه فهرست اقوام از سوی این وزارت را انکار کرد. وزارت سرحدات و قبایل حتا در تهیه خامه‌ی این فهرست نقش چشم‌گیری نداشته و در یک مورد در گزارش خود گفته که فهرست زیرشاخه‌های ترک‌تباران از سوی شورای مردمی ترک‌تباران دری زبان به این وزارت تحویل داده شده و آن‌ها صرف نام‌های اقوامی را که در قانون اساسی ذکر شده از این فهرست جدا کرده است. هرچند فهرست تهیه‌شده از سوی وزارت

سرحدات و قبایل مهر این وزارت را دارد و نماینده این وزارت به‌صورت رسمی آن را به کمیسیون ارائه کرده، اما محمدعقوب احمدزی، معین هماهنگی قبایل و جرگه‌های این وزارت در پاسخ به تقاضای روزنامه اطلاعات روز نوشت که این وزارت هیچ طرز‌العملی برای تثبیت اقوام ندارد، این موضوع به مسئولیت وظیفوی این وزارت ارتباط ندارد و همچنان فهرست اقوام در این وزارت ثبت نیست. آقای احمدزی افزود که اداره ملی احصائیه و معلومات تاکنون به‌صورت رسمی از این وزارت در ارتباط به اقوام افغانستان معلومات نخواست‌ه است.

از سوی هم وزارت اقوام و قبایل در گزارش خود نوشته که بزرگان برخی از «اقوام» شامل این فهرست با مراجعه به این وزارت خواستار مستقل شناخته‌شدن «قوم»‌شان شده‌اند. اطلاعات روز در دو فورم درخواست اطلاعات از این وزارت خواست که درخواستی‌های این افراد را در اختیار این روزنامه قرار دهد تا معلوم شود که چه تعداد از اقوام و قبایل خواستار مستقل شناخته‌شدن «قوم»‌شان هستند، اما این وزارت اطلاعات درخواست‌شده را در اختیار ما قرار نداد. اداره احصائیه و معلومات چندین مکتوب ارسالی وزارت سرحدات و قبایل به این اداره را به خبرنگاران اطلاعات روز نشان داد که بیان‌گر دروغ و نقض حق دسترسی به اطلاعات از سوی این وزارت است.

در فهرست اقوامی که وزارت امور سرحدات و قبایل تهیه کرده، ۶۷ «قوم» و زیرشاخه‌های قومی را به چهار دسته، دسته‌بندی کرده است. در دسته‌ی اول نام‌های ۱۴ قومی فهرست شده که در ماده‌ی چهارم قانون اساسی نام برده شده است. این وزارت پیشنهاد کرده که نام‌های آن‌ها بدون بحث و گفت‌وگو در سیستم شناسنامه الکترونیکی درج شوند.

در دسته‌ی دوم ۱۰ «قوم» و زیرشاخه قومی فهرست شده و گفته است که با ۱۴ قوم درج‌شده در قانون اساسی ریشه و پیوندی ندارد و دارای ریشه و هویت مستقل اند و به‌عنوان هویت‌های مستقل قومی در سیستم شناسنامه الکترونیکی گنجانده شوند.

در دسته‌ی سوم اسم شش گروه «قومی و زبانی» جا داده شده که در پامیر بدخشان زندگی می‌کنند و پیشنهاد شده که این «اقوام» زیر عنوان «پامیری» درج شوند.

در دسته‌ی چهارم ۳۷ زیرشاخه‌ی قومی که دارای ریشه‌ی مشترک ترکی دانسته شده،

فهرست شده است. در مورد این دسته سه پیشنهاد ارائه شده است: در پیشنهاد اول گفته شده آن‌عده از «اقوام» که با مراجعه مکرر و ارائه اسناد تاریخی خواستار مستقل شناخته شدن «قوم»‌شان شده‌اند، به‌عنوان «قوم» مستقل درج شوند. در پیشنهاد دوم خود گفته آن‌عده از زیرشاخه‌های قوم ترک که خواهان مستقل شناخته شدن «قوم»‌شان هستند، با ذکر «قومیت»‌شان در زیرشاخه‌ی ترک درج شوند. در پیشنهاد سوم گفته است همه‌ی این زیرشاخه‌ها بعد از در نظر گرفتن یک معیار و اصول مشخص قوم‌شناسانه به‌عنوان «قوم» مستقل گنجانده شوند.

با این‌که در این فهرست مبنا و معیار علمی و کارشناسانه برای تعریف و شناسایی هویت‌های قومی وجود ندارد و بیشتر شبیه به یک پیشنهاد بی‌پایه و اساس است، اداره ملی احصائیه و معلومات آن را نیز نقض کرده است. این اداره تمامی سرشاخه‌ها و زیرشاخه‌های قومی را به‌عنوان قوم مستقل درج کرده که تعداد اقوام و قبایل را از ۶۷ به ۷۱ رسانده است. به‌عنوان نمونه پامیری و شش زیرشاخه قومی آن هر کدام به‌عنوان قوم مستقل ذکر شده است. قوم ترک و ۳۷ زیرشاخه‌ی آن هر کدام به‌عنوان قوم مستقل درج شده است. همچنین «سیک‌ها و اهل هندود» هر کدام به‌عنوان قوم مستقل درج شده است. فرملی‌ها که در فهرست وزارت اقوام و قبایل هیچ نامی از آن‌ها برده نشده، در سیستم شناسنامه الکترونیکی به‌عنوان قوم مستقل درج شده است.

احمدطارق صدیقی در مورد چرایی درج زیرشاخه‌های قومی به‌عنوان «قوم» مستقل می‌گوید که نمایندگان این زیرشاخه‌های با مراجعه و درخواست مکرر، خواهان درج مستقل «قوم»‌شان شدند: «آن‌ها می‌گفتند یا ما را به‌عنوان قوم مستقل درج کنید، اما هرگز تذکره الکترونیکی نمی‌گیریم.»

**فهرست آکادمی علوم از کجا آمده است؟**

در گزارش کمیسیون شناسایی اقوام که به ریاست‌جمهوری ارائه شده، آمده است که در یکی از نشست‌های کمیسیون، ریاست آکادمی علوم در مورد ۳۵ گروه قومی معلومات ارائه کرد. اکنون که اطلاعات روز به این فهرست آکادمی علوم دست یافته، این فهرست در قالب یک مقاله نوشته شده و روی آن اسم و عنوان «سرمحقق دکتور



گزارش

## جنگ در لغمان؛ دهقانان در فصل برداشت حاصلات زراعتی آواره شده‌اند

### لطف‌علی سلطانی

پرویز، باشنده‌ی روستای «کبیلی» ولسوالی الینگار ولایت لغمان امسال در شش جریب زمین خود سبزیجات و گندم کاشته و اکنون فصل برداشت محصولاتش فرا رسیده است. او اما حالا به جای این که روی زمین‌هایش کار کند و حاصل یک فصل زحمتش را بگیرد، بر اثر جنگ شدید میان طالبان و نیروهای دولتی از روستایش آواره و با ۱۰ عضو فامیلش به شهر مهترلام پناهنده شده‌اند.

طالبان از حدود دو هفته به این سو، حملات شدیدی را بر ولسوالی‌های الینگار، علیشنگ، دولت‌شاه و مرکز ولایت لغمان آغاز کرده است. این گروه توانسته با این اقدام کنترل ولسوالی دورافتاده‌ی دولت‌شاه را در دست بگیرد، اما در ولسوالی‌های دیگر و مرکز ولایت لغمان با مقاومت شدید نیروهای دولتی مواجه شده است. در حال حاضر اوضاع در لغمان به نفع نیروهای دولتی تغییر کرده است و طالبان رو به شکست‌اند.

با وخامت اوضاع امنیتی در لغمان، محمدیاسین ضیا، لوی درستیز همراه با معاون اول امنیت ملی جهت مدیریت جنگ دو روز قبل به شهر مهترلام رفت. او از آن‌جا همراه با والی لغمان، اطمینان داد که جای نگرانی نیست و نیروهای دولتی حملات طالبان را عقب خواهند زد: «دشمن با رسیدن قوت‌ها تلفات سنگینی دیده است. در حال حاضر عملیات در مسیر مهترلام و ولسوالی‌های الینگار و علیشنگ ادامه دارد. خبرهای خوشی در راه است.»

بر اساس اطلاعات وزارت دفاع ملی تنها در دو روز گذشته در حملات زمینی و هوایی نیروهای دولتی بر طالبان در ولایت لغمان ۴۸ طالب به‌شمول فرماندهان کلیدی این گروه کشته و چهار تن دیگر زخمی شده‌اند.

وزارت دفاع ملی در خبرنامه‌ای گفته است که عملیات تصفیوی تا پاکسازی کامل ولسوالی‌های علیشنگ، الینگار و مهترلام، مرکز این ولایت ادامه خواهد یافت.

طالبان اما اعلام کرده است که این گروه تمامی بخش‌هایی را که در دو هفته‌ی گذشته در اختیار گرفته‌اند همچنان در کنترل دارند. ذبیح‌الله مجاهد، سخن‌گوی طالبان در پیامی به رسانه‌ها گفته است که در درگیری اخیر در لغمان فقط سه جنگ‌جوی این گروه کشته و ۱۱ تن دیگر زخمی شده‌اند. در مقابل به گفته‌ی سخن‌گوی طالبان ده‌ها سرباز پولیس کشته، زخمی و اسیر شده‌اند.

شماری از نمایندگان مردم لغمان در مجلس نمایندگان و اعضای شورای ولایتی این ولایت تأیید می‌کنند که با رسیدن نیروهای کمکی و حضور کماندوها در این ولایت، ورق به نفع نیروهای دولتی برگشته است و اوضاع نسبتاً بهتر شده است.

محمدرفیع مموزی، نماینده مردم لغمان در مجلس نمایندگان که خود به شهر مهترلام سفر کرده است به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که اوضاع در شهر روبه‌راه است و مردم طبق معمول به کارهایشان مشغولند. به گفته‌ی او تمامی مکاتب به‌شمول مکتب‌های دخترانه در این شهر فعال است.

آقای مموزی وضعیت در ولسوالی‌های الینگار و علیشنگ را نیز خوب توصیف می‌کند و می‌گوید که نیروهای دولتی در این ولسوالی‌ها حملات طالبان را عقب زده و در حال تصفیه و تلاشی‌اند. مقام‌های محلی لغمان از بی‌جاشدگان اطلاعات دقیقی ارائه نمی‌کنند. اما منابع محلی از این ولایت می‌گویند که در نتیجه‌ی درگیری‌های اخیر در این ولایت بین دو تا سه‌هزار خانواده بی‌جا شده‌اند. اکثر این بی‌جاشدگان از دو ولسوالی الینگار و علیشنگ هستند. بی‌جاشدگان در مکان‌های مثل پارک‌ها، ساحه دانشگاه و خانه‌های خویشاوندان‌شان در شهر مهترلام مسکن گزیده‌اند.

پرویز می‌گوید شبیه او بیشتر باشندگان روستایش محصولات زراعتی و خانه‌هایشان را رها کرده و به شهر مهترلام پناهنده شده‌اند: «اکثر محصولات ماه پخته شده است. گندم و سبزیجات همه آمده‌ی برداشت بودند. اما چند هفته پیش که جنگ در الینگار شروع شد، محصولات ما در حال خود مانده و ما ضرر زیادی را متقبل شده‌ایم. جنگ همه چیز را به خاک یکسان کرد. همه‌ی ما

اختیار اطلاعات روز قرار نداد. اکادمی علوم نیز در پاسخ در فورم تقاضای معلومات روزنامه اطلاعات روز گفت که این نهاد یک مرجع علمی-تحقیقی است و اطلاعات در مورد اقوام ساکن در افغانستان را از مرجع مربوطه به‌دست آورید. اداره امور ریاست‌جمهوری نیز در پاسخ به درخواست اطلاعات روز از موجودیت اسناد این موضوع در این اداره انکار کرد.

اداره احصائیه و معلومات در پاسخ به فورم نخست تقاضای اطلاعات روزنامه اطلاعات روز اسناد ابتدایی این موضوع را به‌صورت رسمی در اختیار این روزنامه قرار داد، اما فورم دومی تقاضای اطلاعات را نادیده گرفت و اسناد خواسته‌شده را در اختیار این روزنامه قرار نداد. اما احمدطارق صدیقی در جریان گفت‌وگو با اطلاعات روز برخی از درخواستی‌های اقوام را به خبرنگاران این روزنامه نشان داد و وعده شد که برخی از اسناد این موضوع را در اختیار اطلاعات روز قرار می‌دهد.

برخی از مسئولان ریاست اطلاعات و ارتباط عامه این اداره‌ها در صحبت‌های غیررسمی با خبرنگاران اطلاعات روز گفته‌اند آن‌ها مطمئن‌اند که اسناد و اطلاعات خواسته‌شده در این اداره‌ها موجود است، اما مسئولان این اداره‌ها نمی‌خواهند که اطلاعات خواسته‌شده در اختیار روزنامه اطلاعات روز قرار گیرد.

همان‌گونه که اداره احصائیه و معلومات در اعلامیه‌ی رسمی خود در خصوص درج ۵۷ «قوم» در سیستم شناسنامه الکترونیکی تنها به نظر دادگاه عالی و درخواستی‌های بزرگان اقوام اشاره کرده بود و تشکیل کمیسیون شناسایی اقوام، نظر کمیسیون و اقدامات بعدی را پنهان کرد، اداره‌های ذیربط نیز از ارائه اطلاعات و اسناد این موضوع خودداری کردند.

### واکنش‌ها؛ تصمیم حکومت نفاق‌افگنی میان شهروندان است

افزایش شدن ۵۷ قوم در سیستم شناسنامه الکترونیکی در ماه حوت ۱۳۹۹ انتقادهای تند و جنجال‌برانگیزی در پی داشت. عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه‌ی ملی تصمیم اداره ملی احصائیه و معلومات را «شسته» خواند و گفت که این اداره باید تصمیمش را با توجه به اتحاد مردم افغانستان اصلاح کند.

سرور دانش، معاون دوم ریاست‌جمهوری کشور گفت که شناخت هویت‌های قومی یک کار مسلکی، علمی، تاریخی و فرهنگی است و نباید با شتابزدگی در این مورد تصمیم گرفته شود. آقای دانش افزود که این تصمیم سبب نفاق میان شهروندان افغانستان می‌شود و اداره احصائیه و معلومات باید آن را بازنگری کند: «درست است که افغانستان کشور کثیرالقومی است و این تنوع از زیبایی‌های فرهنگی و اجتماعی کشور ما است و هر قومی هم حق دارد که با هویت خود به رسمیت شناخته شود، اما این هم درست نیست که شاخه‌ها و طوایف متعدد یک قوم و تبار، به‌عنوان اقوام مستقل و متعدد معرفی شوند.»

میررحمان رحمانی، رییس مجلس نمایندگان گفت که اضافه‌کردن ۵۷ قوم و قبیله به‌عنوان قوم مستقل در سیستم شناسنامه الکترونیکی جامعه‌ی افغانستان را در سطح قریه ولسوالی تقسیم می‌کند و این تصمیم توسط حلقاتی گرفته شده‌اند که در پی دامن‌زدن به اختلافات قومی در افغانستان هستند.

احمدطارق صدیقی در پاسخ به انتقادها به درج زیرشاخه‌های قومی به‌عنوان قوم مستقل و ادعای مبنی به اکثریت‌سازی برای قوم پشتون می‌گوید که هیچ نوع انگیزه‌ی قومی پشت این تصمیم نبوده و «چند قوم» که در گذشته به قوم پشتون نسبت داده می‌شدند، به‌عنوان قوم مستقل در فهرست اقوام شناسنامه الکترونیکی افزوده شده است. آقای صدیقی می‌افزاید که فهرست اقوام در سیستم شناسنامه الکترونیکی باز است و هر گروه قومی که بخواهد به‌عنوان قوم مستقل درج این سیستم شود، با این شرط که قومیت آن‌ها از سوی اداره‌های مسئول به‌عنوان قوم مستقل به رسمیت شناخته شود، این اداره حاضر است قومیت آن‌ها را در فهرست اقوام شناسنامه الکترونیکی اضافه کند.

خلیل‌الله اورمر» به‌عنوان نویسنده درج شده است. جست‌وجوی اطلاعات روز در فضای انترنت نشان می‌دهد که داده‌های این «مقاله» از دانشنامه آزاد «ویکی‌پدیا» فارسی گرفته شده و زبان آن نیز شباهت نزدیکی به نوشته ویکی‌پدیا دارد. در این «مقاله» که از سوی اکادمی علوم ارائه شده، منبع آن درج نشده است.

در این «مقاله» ۳۵ گروه قومی-زبانی بیشتر براساس زبان آن‌ها دسته‌بندی و فهرست شده و تذکر رفته که گروه‌های قومی در افغانستان بیشتر بر مبنای زبان مشخص‌شان شناخته می‌شود. همچنان یادآوری شده که گروه‌بندی‌های قومی را در کنار سایر عوامل، دو عامل مذهب و نژاد نیز متأثر می‌کند، ولی زبان در شناسنامه گروه‌های قومی بیشتر از نژاد و مذهب اهمیت دارد.

در اخیر این «مقاله» تذکر داده شده که تاکنون تحقیقات دامنه‌دارتر علمی در زمینه‌ی شناخت زبان‌ها و هویت‌های قومی در کشور صورت نگرفته است. از این تذکر دو بار در گزارش کمیسیون و گزارش عبدالصیر انور، وزیر پیشین عدلیه و رییس کمیسیون که به ریاست‌جمهوری ارائه شده، یادآوری شده است.

### تلاش برای پنهان‌کاری و نبود پاسخ‌گویی

روزنامه اطلاعات روز با بیش از یک ماه کار روی این گزارش برای گردآوری اطلاعات و اسناد به این نتیجه رسیده است که یک تلاش عمدی و هماهنگ‌شده میان اداره‌های ذیربط وجود دارد که اطلاعات مربوط به درج ۵۷ قوم در سیستم شناسنامه الکترونیکی و اقدامات اداری قبل از آن پنهان بماند و در اختیار شهروندان قرار نگیرد.

روزنامه اطلاعات روز به شش اداره ذیربط مراجعه کرده و حداقل هشت فورم درخواست اطلاعات را به این اداره‌ها فرستاده است.

اکثر این اداره‌ها اطلاعات درخواست‌شده را در اختیار روزنامه اطلاعات روز قرار ندادند و در چند مورد که پاسخ ارائه کردند، ربطی به موضوع نداشت و از موجودیت اسناد و اطلاعات در اداره‌هایشان انکار کردند. اسناد و اطلاعاتی که در این گزارش استفاده شده، بیشتر از منابع غیررسمی و کانال‌های ارتباطی اطلاعات روز به‌دست آمده است.

هرچند گزارش کمیسیون همراه با ضمیمه‌های آن (فهرست وزارت سرحدات و قبایل و فهرست اکادمی علوم) و گزارش دومی وزیر پیشین عدلیه و رییس کمیسیون مستقیماً به دفتر مقام عالی ریاست‌جمهوری فرستاده شده است، اما این دفتر در پاسخ به فورم تقاضای اطلاعات روز گفت که اسناد و مکاتب این موضوع در این اداره و حتا در آرشیف اسناد آن موجود نیست. بعداً یکی از معاونان سخن‌گوی ریاست‌جمهوری هرچند با اصرار پذیرفت که در این خصوص معلومات ارائه می‌کند، ولی تماس‌های بعدی اطلاعات روز را پاسخ نداد.

وزارت امور سرحدات و قبایل در پاسخ به دو فورم تقاضای اطلاعات این روزنامه، موجودیت فهرست اقوام را در این وزارت انکار کرد و تقاضا برای دریافت یک نقل از درخواستی‌های بزرگان اقوام را نادیده گرفت. پیش از ارسال فورم تقاضای اطلاعات به این وزارت، محمدیعقوب احمدزی، معین هماهنگی قبایل و جرگه‌های این وزارت در تماس تلفنی گفته بود که حکم رییس‌جمهور برای تشکیل کمیسیون و درخواستی‌های چند قوم در این وزارت موجود است و یک نسخه‌ی آن را در اختیار اطلاعات قرار خواهد داد، اما بعداً این وزارت موجودیت تمامی اسناد را انکار و در

برخی از مسئولان ریاست اطلاعات و ارتباط عامه این اداره‌ها در صحبت‌های غیررسمی با خبرنگاران اطلاعات روز گفته‌اند آن‌ها مطمئن‌اند که اسناد و اطلاعات خواسته‌شده در این اداره‌ها موجود است، اما مسئولان این اداره‌ها نمی‌خواهند که اطلاعات خواسته‌شده در اختیار روزنامه اطلاعات روز قرار گیرد.

فراری شده‌ایم.» عبدالولی، باشنده‌ی روستای «خان قلعه» ولسوالی الینگار که باغ‌های شفتالو و سایر میوه‌هایش به ثمر رسیده است، فکر نمی‌کرد که حاصلاتش در نتیجه‌ی جنگ با خاک یکسان شود. او نیز مثل پرویز از روستایش به شهر مهترلام پناهنده شده است. او به روزنامه اطلاعات روز می‌گوید: «من باغ‌های شفتالو و دیگر میوه‌ها دارم. فعلاً فصل برداشت شفتالو سایر میوه‌جات است. جنگ میان طالبان و حکومت شروع شد و من هم تمام باغ و زندگی‌ام را رها کردم و پناهنده شدم.»

با این حال ریاست زراعت ولایت لغمان می‌گوید که به‌رغم شدت گرفتن ناامنی در این ولایت، تولید سبزیجات حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. محمدجمیل خوشحال، رییس زراعت ولایت لغمان در صحبت با روزنامه اطلاعات روز می‌گوید که در سال روان کشاورزان بیش از سال‌های گذشته به کشت سبزیجات رو آورده است. به گفته‌ی او از لغمان به‌عنوان مرکز سبزیجات افغانستان هم یاد می‌شود.

رییس زراعت لغمان می‌گوید که ناامنی‌های اخیر در لغمان و شدت حملات تأثیر منفی روی زراعت گذاشته است. به گفته‌ی او در حال حاضر فصل برداشت اکثر محصولات زراعتی است اما جنگ سبب شده است که این محصولات به‌موقع برداشت نشود و ضایع شود.

به گفته‌ی آقای خوشحال چندی قبل با تلاش بزرگان ولسوالی الینگار میان نیروهای دولتی و طالبان در این ولایت آتش‌بس برقرار شد، اما حدود دو هفته قبل طالبان حملات‌شان را از سر گرفتند و آتش‌بس را نقض کردند.

معمول است که هر سال با شروع فصل بهار، حملات طالبان شدت می‌یابد. گروه طالبان از دو سال به این سو که گفت‌وگوهای صلح جدی‌تر شده رسماً شروع عملیات بهاری‌اش را اعلام نمی‌کند، اما مثل گذشته با شروع فصل بهار سلسله حملاتش را با همان شدت گذشته آغاز می‌کند.

پس از آن که جو بایدن اعلام کرد که نیروهای امریکایی تا ماه سپتامبر به‌طور کلی از افغانستان خارج می‌شود، شدت حملات طالبان بیشتر از پیش شده است. مقام‌های دولت افغانستان می‌گویند که طالبان می‌پندارند که با خروج نیروهای خارجی می‌توانند در جنگ با نیروهای افغان پیروز شود و به قدرت برسند، اما به گفته‌ی آنان این تصور طالبان غلط است.

بر اساس توافق امریکا با طالبان، خروج نیروهای خارجی از افغانستان باید تا اول ماه می تکمیل می‌شد، اما این کار به دلایل چون مشکلات لوژیستیکی عملی نشد. گروه طالبان تأخیر در خروج نیروهای خارجی از افغانستان را نقض و سرپیچی از توافقنامه عنوان کرد و از حملات احتمالی به نیروهای امریکایی هشدار داد. با وجود این از اول ماه می تا کنون هیچ حمله‌ای بر نیروهای خارجی گزارش نشده است، اما حملات این گروه بر نیروهای دولتی به‌شدت افزایش یافته است. از اول ماه می به این سو طالبان حملات گسترده‌ای را در ولایت‌های هلمند، قندهار، بغلان، زابل، هرات، غزنی و لغمان انجام داده است. بیشتر حملات طالبان با شکست مواجه شد. مقام‌های دولت افغانستان بارها اعلام کرده‌اند که طالبان با این حملات می‌خواهند که دست‌کم دو ولایت را سقوط دهند، اما در این کار ناکام شدند.

در جنگ‌های اخیر در افغانستان شمار زیادی از مردم بی‌جاشده‌اند. بر اساس اطلاعات وزارت مهاجران و عودت‌کننده‌ها از آغاز سال ۱۴۰۰ تا کنون (بدون بی‌جاشده‌های ولایت لغمان) بر اثر جنگ حدود هفت‌هزار خانواده از مناطق‌شان بی‌جا شده‌اند.

پرویز و عبدالولی که نتیجه‌ی یک فصل زحمت‌شان را در آستانه‌ی نابود شدن می‌بینند، از طرف‌های درگیری می‌خواهند که جنگ را متوقف کنند و اجازه دهند که مردم محصولات زراعتی‌شان را برداشت کنند.

جان آقا صالح، همکار این گزارش بوده است



## اسامی نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری ایران اعلام شد، «روحانی به آیت الله خامنه‌ای نامه نوشت»

رسانه‌ها که توسط شورای نگهبان احراز صلاحیت شده‌اند، فقط به عهده وزارت کشور است. شب گذشته رسانه‌های داخلی در ایران از پایان یافتن روند بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در شورای نگهبان خبر داده بودند. سخن‌گوی شورای نگهبان امروز گفت: «اعضای شورای نگهبان دیروز درباره برخی داوطلبان ابهاماتی داشتند که با دعوت از این افراد توضیحات آن‌ها را شنیدیم.» سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و ششمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا ۲۸ جوزا ۱۴۰۰ برگزار می‌شود.

در واکنش دیگر، علی لاریجانی، رییس پیشین مجلس با انتشار بیانیه‌ای گفته برای رفع مشکلات «عزمی راسخ» داشت اما حال که «روند انتخابات اینگونه رقم زده شد»، «راضی به رضای الهی» است. پیشتر عباسعلی کدخدایی سخن‌گوی شورای نگهبان اعلام کرده بود شب گذشته لیستی هفت نفره به وزارت کشور ارسال شده است. خبرگزاری فارس پیش از اعلام رسمی، این فهرست را منتشر کرده بود. اما در واکنش روح‌الله جمعه‌ای مشاور وزیر کشور ایران اعلام کرد «اعلام اسامی نامزدهای ریاست جمهوری به

رییس جمهوری سابق) از جمله داوطلبانی بودند که رد صلاحیت شدند. همزمان رسانه های داخلی در ایران می‌گویند حسن روحانی، رییس جمهوری در نامه‌ای به رهبر ایران از او خواست تا تغییراتی در لیست اعلام شده از سوی شورای نگهبان انجام گیرد. علی ربیعی سخن‌گوی دولت در واکنش به این خبر گفته «معمولا آقای رییس‌جمهور، در موارد مهم نامه‌نگاری می‌کنند؛ از آنجا که از صبح درگیر بحث سخن‌گویی بودم آخرین اطلاعات را ندارم.» او همچنین هشدار داد که «هیچ گروه سیاسی برنده مشارکت حداقلی نخواهد بود.»

اطلاعات روز: فهرست تأیید صلاحیت‌شدگان در انتخابات ریاست جمهوری اعلام شد. اما گفته می‌شود حسن روحانی با ارسال نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای رهبر ایران، «خواستار تغییر فهرست فعلی شده است.» به گزارش بی‌بی‌سی فارسی، شورای نگهبان صلاحیت ابراهیم ریسی، محسن رضایی، محسن مهرعلیزاده، سعید جلیلی، علیرضا زاکانی، عبدالناصر همتی و امیرحسین قاضی زاده هاشمی را تأیید کرد. علی لاریجانی (رییس سابق مجلس)، اسحاق جهانگیری (معاون اول حسن روحانی) و محمود احمدی نژاد

### رییس کمیسیون اروپا:

#### نه پروتکل الحاقی ایرلند شمالی بلکه برکسیت مایه تنش با بریتانیاست

اروپا با بریتانیا، بین جمهوری ایرلند و ایرلند شمالی قرار گرفته است. در همین راستا بخش اعظمی از انتقال کالا به ایرلند شمالی از مرز جمهوری ایرلند، عضوی از اتحادیه اروپا، صورت می‌گیرد. مرز ایرلند یکی از مهم ترین موضوعات مورد بحث در جریان گفتگوهای دشوار برکسیت در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بود. با این حال به نظر می‌رسد همچنان مشکلات عدیده ای در این باره باقی است.

سوی بریتانیا در کانال مانش، اتحادیه اروپا از ماه مارس گذشته دست به یک اقدام حقوقی علیه بریتانیا زد. اتحادیه اروپا می‌گوید بریتانیا مفاد توافق نامه برکسیت که در سال ۲۰۱۹ به امضای طرفین رسیده است را بارها نقض کرده است. توافقنامه برکسیت به دو طرف امکان تجارت بدون تعرفه کالا را داده و همکاری‌های نزدیک پلیس و نهادهای قضایی را امکان پذیر می‌کند. پس از نهایی شدن برکسیت، مهم‌ترین مرز اتحادیه

دادن به مفاد توافقنامه برکسیت برای اجرای کامل و صحیح این «پروتکل» وجود ندارد. برکسیت، جدایی بریتانیا از اتحادیه اروپا، سرانجام در آخرین روزهای سال ۲۰۲۰ میلادی نهایی شد. بدین ترتیب از نخستین روز سال ۲۰۲۱ بریتانیا از اتحادیه گمرکی و بازار مشترک اروپایی خارج شد. با این حال بدلیل برخی از چالش‌ها خصوصاً درباره «صادرات و واردات کالا به ایرلند شمالی به عنوان بخشی از خاک بریتانیا» و عدم رعایت دقیق مفاد توافقنامه برکسیت از

اطلاعات روز: اورزولا فن در لاین، رییس کمیسیون اروپا، در جریان نشست رهبران اروپایی اعلام کرد که تنش‌های اتحادیه اروپا با بریتانیا نه بر سر «پروتکل الحاقی ایرلند شمالی» بلکه نشأت گرفته از خود پیمان برکسیت است. به گزارش یورونیوز فارسی، رییس آلمانی کمیسیون اروپا پس از اولین روز نشست اتحادیه اروپا در بروکسل در یک کنفرانس خبری گفت که همه ۲۷ کشور عضو این اتحادیه توافق کردند که هیچ گزینه دیگری جز تن

## رهبران اتحادیه اروپا بر سر تحریم بلاروس توافق کردند

که تحقیقات خود را در رابطه با این حادثه آغاز کند. رهبران اتحادیه از شورای اروپا خواستند «اقدامات لازم را جهت ممنوعیت پرواز هواپیماهای بلاروس در آسمان اتحادیه مبذول دارد و مانع استفاده خطوط هوایی بلاروس از فرودگاه‌های اتحادیه اروپا شود.» آزادی فوری سوفیا ساپگا، دوست دختر رمان پراتاسوویچ نیز که همراه او از هواپیما خارج و بازداشت شد، دیگر خواسته رهبران اتحادیه اروپاست. دولت لوکاشنکو این روزنامه‌نگار و کانال تلگرامی «نکستا» را به «تشویق مردم برای بی‌نظمی اجتماعی، نافرمانی مدنی و اشاعه نفرت اجتماعی» متهم کرده است.

رامان پراتاسوویچ از اعضای کلیدی کانال تلگرامی «نکستا» بود که اعتراضات مردمی اوت پارسال علیه دولت الکساندر لوکاشنکو را پوشش می‌داد. او در ادامه این ویدیو می‌گوید که مستنداتی را به بازپرس‌ها در رابطه با چگونگی سازماندهی اعتراضات ارائه داده است. رهبران اتحادیه اروپا در بروکسل با واکنشی سریع به این رخداد از همه شرکت‌های هواپیمایی این اتحادیه خواستند که از پرواز بر فراز بلاروس خودداری کنند. آنها همچنین تحریم‌هایی را علیه مقامات بلاروسی که در ماجرای فرود اجباری هواپیما نقش داشتند وضع کردند و به سازمان بین‌المللی هوانوردی غیرنظامی تأکید کردند

اقدام دولت بلاروس به عنوان «هواپیماهایی» نام برده و خواستار آزادی فوری آقای پراتاسوویچ شده است. شارل میشل، رئیس شورای اروپا که ریاست این نشست اتحادیه اروپا را بر عهده داشت، گفت: «ما تحمل نمی‌کنیم که کسی بخواهد بر سر زندگی یا مرگ شهروندان بی‌گناه شربندی بکند.» تلویزیون دولتی بلاروس شامگاه دوشنبه ویدیوی کوتاهی از رمان پراتاسوویچ پخش کرد که نشان می‌دهد او پشت میزی نشسته و می‌گوید وضعیت جسمانی‌اش خوب است و با او در طی بازداشت «بسیار خوب و مطابق قانون» رفتار کرده‌اند.

اطلاعات روز: اتحادیه اروپا شامگاه دوشنبه ۳ جوزا بر سر تحریم بلاروس، از جمله ممنوعیت استفاده هواپیماهای این کشور از آسمان و فرودگاه‌های ۲۷ کشور عضو این اتحادیه توافق کرد. به گزارش رادیو فردا، این تصمیم واکنشی به فرود اجباری هواپیمای مسافربری رایان‌ایر در فرودگاه مینسک و بازداشت رمان پراتاسوویچ، روزنامه‌نگار مخالف الکساندر لوکاشنکو، رییس‌جمهور بلاروس است. این پرواز از آتن عازم لیتوانی بود که نیروهای امنیتی بلاروس با اختطار دروغین بمب‌گذاری در هواپیما وادارش کردند که در فرودگاه مینسک بنشینند. اتحادیه اروپا از این

	دکترهنی، اوبولگولو و مالمداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری	معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی	د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
<b>«اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»</b>				
<p>بدینوسیله به تاسی از ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده میشود که وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری در نظر دارد تا پروژه (تدارک، انتقال و توزیع ۱۵۰ رأس گاو شیری سه ساله معه وسایل شیردوشی در ولایات کابل، فاریاب و زابل با کد نمبر MAIL/PD/NCB/G-8/1400 را به محترم حکم خان شینوزاده لمیتد دارای جواز نمبر (۱۲۲۷-۰۱۰۱) به قیمت مجموعی مبلغ (۷,۶۱۰,۰۰۰) هفت میلیون و ششصد و ده هزار افغانی اعطا نماید.</p> <p>اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، میتوانند اعتراض خویش را از تاریخ نشراین اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توام با دلایل آن به ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری واقع کار ته سخی، جمال مینه، وفق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارایه نمایند.</p> <p>این اطلاعیه به معنی عقد قرار داد نبوده والی تکمیل ميعاد فوق الذکر وطنی مراحل قانونی بعدی، قرار داد منعقد نخواهد شد.</p>				

	دکترهنی، اوبولگولو و مالمداری وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری	معینیت مالی واداری ریاست تهیه و تدارکات آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی	د افغانستان اسلامی جمهوریت جمهوری اسلامی افغانستان	
<b>«دعوت به داوطلبی روش باز ملی»</b>				
<p>شماره دعوت به داوطلبی: MAIL/PD/NCB/G115/1400</p> <p>ریاست تهیه و تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالمداری از تمام داوطلبان واجد شرایط دعوت مینماید تا در پروسه داوطلبی پروژه (تدارک ۶۰ قلم تجهیزات و مواد لابراتواری برای مدیریت های صحت عامه و ترنری بنادر سرحدی ولایات و مرکز) تحت داوطلبی باز داخلی با شماره تشخیصیه (MAIL/PD/NCB/G115/1400) اشتراک نموده و آفرهای سربسته خویش را مطابق شرایط شرطنامه طبق قانون و طرزالعمل تدارکات عامه الی ساعت (۱۰:۰۰) قبل از ظهر روز (پنج شنبه) مؤرخ (۲۷-جوزا-۱۴۰۰) ارایه نمایند. آفرهای ناوقت رسیده و انترنیتی قابل پذیرش نمی باشند. تضمین آفر مبلغ (۵۴۰,۰۰۰) پنج صد و چهل هزار افغانی طبق شرطنامه و شرایط اهلیت (طبق ماده ۱۷ قانون تدارکات عامه) میباشد.</p> <p>آدرس مکان جلسه: منزل دوم تعمیر حفظ و مراقبت، عقب تعمیر منابع بشری دفتر آفرگشایی.</p> <p>داوطلبان میتوانند اسناد مکمل داوطلبی را از وب سایت npa.gov.af دانلود نمایند، در صورت عدم دانلود از وب سایت، داوطلبان می توانند شرطنامه را در سی دی یا فلش دیسک از آمریت تدارکات اجناس و خدمات غیر مشورتی ریاست تهیه و تدارکات واقع تعمیر معینیت مالی واداری منزل اول بصورت رایگان بدست آورند.</p>				

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی	zaki.daryabi2@gmail.com
سردبیر چاپی: م. علی جاوید مالکی	۰۷۰۲۲۷۷۵۰۶
سردبیر آنلاین: الیاس نواندیش	
گزارش‌گران و خبرنگاران: ابودر ملک‌نژاد، جلیل رونق، خادم‌حسین کریمی، سهراب سروش، عابر شایگان، عباس اسدیان، معصومه جعفری، عصمت‌الله سروش، لطف‌علی سلطانی، لیاقت لایق، هادی خوشنویس، واجد روحانی و فریضه عالمی	
بخش صلح: حسین‌علی کریمی، عباس عارفی و فاطمه فرامرز	
مترجم: جلیل پژواک	
ویراستار: شیر مهریار	
صفحه آرا: رضا مظفری	
ارتباطات و روابط عمومی: محمدحسین جويا	شماره تماس: ۰۷۹۷۴۳۵۷۷۷ - ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲
ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com	mjoya.dailyetilaatroz@gmail.com
آدرس: کابل، کارته‌سه	شماره تماس: ۰۷۲۹۱۱۹۵۵۱ - ۰۲۰۲۵۰۰۱۸۷
	توزیع: کنون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲



# انتخابی نبودن نهادهای محلی و شکست دموکراسی در افغانستان

داکر سلطانی

همانگونه که به صورت سنتی در افغانستان دولت‌ها سعی کرده‌اند به شهروندان به‌عنوان رعیت نگاه کنند، با نهادهای محلی چون ولایات، ولسوالی‌ها و قریه‌ها نیز به‌عنوان مادون و تابع (از بالا به پایین) برخورد کرده‌اند. طوری که انتخاب مسئولان محلی و اختیارات تصمیم‌گیری هیچ‌گاه به مردم محل تعلق نداشته است.

انتظار می‌رفت این روند با حضور جامعه بین‌المللی و با تدوین قانون اساسی ۲۰۰۴ تغییر کند. در این قانون برخی حقوق برای شهروندان پیش‌بینی شد، اما اختیارات نهادهای محلی به آن‌ها واگذار نشد. هرچند قانون اساسی جدید دولت را موظف به انتخابی بودن شهردارها، شوراهای ولایتی و شوراهای ولسوالی نمود، ولی از این میان صرف انتخابات شوراهای ولایتی برگزار شد، که اعضای آن در برابر نفوذ نامحدود پایتخت و والی تعیین شده از سوی رییس‌جمهور از صلاحیت ناچیز برخوردار است. این گونه شوراهای ولایتی نیز نتوانست مؤثریت لازم از خود نشان دهد.

این روزها افغانستان شرایط حساس، دشوار و سرنوشت‌سازی را سپری می‌کند. تعیین حکام و والی‌ها از مرکز بارها واکنش‌های جدی محلی به همراه داشته است. یکی از دلایل عمده این شکنندگی را می‌توان در نبود مشروعیت لازم در حکومتداری محلی جست‌وجو کرد. برای این که به این نارسایی‌ها پرداخته شود لازم است ساختار کنونی حکومتداری محلی به بحث گرفته شده و اصلاحات لازم در آن پیش‌بینی شود.

## فرصت انتخاب به محلات

یکی از فرضیه‌های بدیینه در مورد افغانستان این است که مردمان این سرزمین ظرفیت پذیرش دموکراسی را ندارند و به دلایل مختلف به دموکراسی خو نمی‌گیرند. واقعیت این است که با وجود جنگ، دو دهه گذشته فرصت خوبی برای نهادینه ساختن دموکراسی بود، اما در این مدت به خصوص در ولایات، فرصت لازم به مردم برای انتخاب مسئولان محلی داده نشد.

بنیادی‌ترین اصل دموکراسی انتخابات است، که قرار بود انتخابات شوراهای ولایتی، شوراهای ولسوالی و شهرداری‌ها برگزار شود. با وجود امکانات مالی فراوان چنین امری تحقق نیافت. هر چند به دلیل تجارب نامیدکننده از انتخابات‌های قبلی و محدودیت صلاحیت شوراهای ولایتی برگزاری چنین انتخاباتی ممکن کمکی به دلگرمی مردم به دموکراسی نمی‌کرد، با این حال این ابتدایی‌ترین حقی بود که باید به مردم برگردانده می‌شد.

## عامل ساختاری شکست

برخی از تدوین‌کنندگان قانون اساسی کنونی عواملی چون فقر، جنگ، فساد و پایین بودن نرخ سواد عمومی را سبب کندهی یا شکست روند دموکراسی در افغانستان می‌شمارند، اما کارشناسان حقوق و پالیسی عامه مانند سوسن روس اکرم استاد دانشگاه یل در امریکا به این نظر است که میان حکومتداری خوب و ساختار دموکراتیک رابطه مستقیم وجود دارد. به این اساس دموکراتیک بودن



خود می‌تواند تأمین‌کننده امنیت، رفاه و توسعه باشد نه این که منتظر بود که اول جامعه‌ی مرفه، باسواد و امن به میان آید تا بتوان دموکراسی را در آن پیاده کرد.

## استقلالیت محلی و دموکراسی

از لحاظ سنتی در افغانستان اغلب یک نظام غیر رسمی در محلات حاکم بوده است. چنان که در برخی مناطق بسیاری از فیصله‌ها و دعاوی به وسیله بزرگان محل در جرگه‌ها حل‌وفصل می‌شوند. این به معنای تمایل به استقلالیت محلی است. فلسفه دموکراسی این نیست که در مقابل جریان زندگی در محلات قرار گیرد و خواست‌های حکومت مرکزی را بر آن‌ها تحمیل کند، بلکه خواست‌ها، تمایلات و عرف حاکم بر محل را با موافقت مردم معیاری و قانونمند می‌سازد.

نظام کنونی در دو دهه گذشته به جای این که واقعیت‌های محل را شناسایی و با رأی و رضایت مردم به معیاری‌سازی آن توجه کند در پی تحمیل خواست‌های خود بر محلات بوده است، که نه تنها اقبال پذیرش نداشته، که اغلب نارضایتی، واکنش و عقده ایجاد کرده است.

## احساس مسئولیت نسبت به تأسیسات عمومی

امروزه یکی از چالش‌های عمده دولت افغانستان محافظت از پروژه‌های دولتی در محلات است. در برخی مناطق مردم در برابر تأسیسات عمومی مانند مکتب، پل، جاده و شبکه برق‌رسانی احساس مسئولیت نمی‌کنند. اگر این پروژه‌ها به وسیله همان محل طرح و اجرا می‌شد و درصدی مشخصی از پول مالیه‌دهندگان آن محل در آن به مصرف می‌رسید، احساس مسئولیت بیشتری به میان می‌آمد.

در همین راستا در حکومتداری محلی فرانسه که

مؤسسين قانون اساسی افغانستان این نظام را برگرفته از آن می‌دانند، هرگاه ساختمان مکتبی در یکی از محلات ساخته شود، ۳۰ درصد بودجه آن باید به وسیله مالیه‌دهندگان همان محل تأمین شود. این گونه مردم محل نه تنها در محافظت از آن خود را مسئول می‌دانند که از جریان ساخت و فعالیت آن نیز مستقیم یا به وسیله نمایندگان خود نظارت می‌کنند. در نتیجه این نظارت، شفافیت لازم به میان می‌آید و احتمال فساد اداری نیز به حد اقل کاهش می‌یابد.

## مقایسه افغانستان با دموکراسی‌های پیشرو

کشورهایی که تازه قانون اساسی تدوین می‌کنند معمولاً یکی از دموکراسی‌های جهان را الگو قرار می‌دهند و نظام سیاسی اداری آن را با اندک تغییراتی مطابق با شرایط در کشور خود پیاده می‌کنند. در این راستا تدوین‌کنندگان قانون اساسی کنونی افغانستان و اداره مستقل ارگان‌های محلی به این عقیده‌اند که حکومتداری محلی افغانستان برگرفته از دموکراسی فرانسه است. این در حالی است که نظام سیاسی افغانستان از لحاظ ماهیت با دموکراسی فرانسه تفاوت فاحش دارد و دشوار است آن‌ها را با هم مقایسه کرد. در فرانسه والی‌های که از مرکز معرفی می‌شوند صلاحیت محدود و نظارتی دارند و اختیارات اجرایی از آن شورای ولایتی است. یعنی خلاف افغانستان والی در فرانسه به‌عنوان نماینده‌ی رییس‌جمهور صرف از اجراءات شورای ولایتی نظارت می‌کند تا فعالیت‌های شورا مبتنی بر قانون اساسی صورت گیرد.

مدعیانی که طرز حکومتداری افغانستان را شبیه به نظام فرانسه می‌پندارند در واقع به ماهیت حکومتداری فرانسه توجه نکرده‌اند که در آن به شدت تمرکز زدایی صورت گرفته است. آن‌ها خواسته یا ناخواسته به یک توجیه نادرست به دموکراتیک بودن حکومتداری در

افغانستان پرداخته‌اند که در نهایت شهروندان را نسبت به مقوله دموکراسی در حکومتداری محلی در بی‌خبری قرار داده‌اند. به عبارتی ساده به مردم چنین توجیه شده که این که آن‌ها حق انتخاب در تعیین مقام‌های محلی را ندارند مهم نیست، کشورهای دموکراتیک از جمله فرانسه نیز چنین کرده‌اند. این بحث در برخی جزوه‌های دانشگاهی در میان دانشجویان حقوق و پالیسی عامه نیز با ابهاماتی همراه بوده است.

## اغراق در بحث جزیره‌های قدرت

ممکن است دلایل متعددی برای گروه حاکم در دولت مرکزی برای جلوگیری از انتخابی شدن نهادهای محلی وجود داشته باشد. هر دلیلی باشد ناشی از حرص انحصار قدرت در مرکز است. یکی از ادعاها این بود که گویا با برگزاری انتخابات در محلات زورمندان محلی به قدرت می‌رسند.

خانم جینفر برک مرتزاشوولی، استاد دانشگاه پترزبورگ در ایالت پنسولوانیای امریکا، می‌گوید که در اوایل حضور جامعه بین‌المللی در افغانستان دولت مرکزی در پی تضعیف و از میان برداشتن سران محلی بود، چون آن‌ها به گونه‌ی حاکمیت منطقه‌ای ایجاد کرده بودند. وی به این باور است که در برابر این رهبران محلی اغراق صورت گرفت و دولت مرکزی آن‌ها را به‌صورت گزینشی به زورمندان خودی و غیر خودی تقسیم کرد. خانم مرتزاشوولی تأکید می‌کند که می‌شد دموکراسی با وجود همین بزرگان محلی تمرین شود و برای آن‌ها فرصت داده می‌شد، تا این که شرایط روزبه‌روز بهتر می‌شد.

## راه‌حل

تجربه دو دهه در افغانستان و درس‌هایی از دولت‌های مدرن در جهان نشان می‌دهد که مردم در محل خود باید تصمیم‌گیر و تعیین‌کننده باشند. در برابر مردم قرار گرفتن روش مناسب برای کنترل قدرت‌های محلی یا مدرن‌سازی روستاها نیست. برعکس، زمینه و فرصت تصمیم‌گیری است که می‌تواند باعث دلگرمی و جذب گروه‌ها و مناطق مختلف شوند. ضمناً فشار از مرکز واکنش‌هایی را ایجاد می‌کند که ممکن است بی‌ثباتی دوامدار را به دنبال داشته و تداوم آن به واکنش‌های جدی و اعتراضات گسترده منجر شود.

واگذاری اختیارات به مردم محل برای انتخاب مسئولان یا تصمیم‌گیری می‌تواند باعث رضایت بیشتر شود. این رضایت تضمینی برای پذیرش قدرت مرکزی نیز است. این گونه مردم ضمن تمرین و یادگیری دموکراسی نسبت به اداره محلی احساس شراکت و مالکیت می‌کنند. در نتیجه روند نظارت از اجراءات بر نهادهای محلی نیز نیرومند می‌شود، شفافیت و پاسخ‌گویی بهتر به میان می‌آید و در زمینه اخذ مالیات نیز دولت با چالش کمتری مواجه خواهد بود. سرعت بیشتر انجام امور و بالا رفتن سطح مهارت و ابتکار مسئولان محلی نیز از امتیازاتی دیگری است که با واگذاری این اختیارات به محلات تقویت می‌یابد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
دولت جمهوري اسلامي افغانستان  
معينيت مالي و اداري  
رياست تهييه و تداركات  
امریت تداركات ساختماني  
مدیریت عمومی تداركات ساختمانی

## «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تا سی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد قرارداد باز سازی تعمیر و اطاق چوپه گیری، ترمیمات حوض‌های کانکریتی معه جوی‌های مواصلائی دخولی و خروجی آب و ترمیم حوض‌های کلان کانکریتی فارم ماهی قرغه ولایت کابل را به شرکت ساختمانی میدان پامیر دارنده جواز نمبر (۴۷۲۰۶) واقع سرک نمبر ۲، میدان وردگ، افغانستان به قیمت مجموعی ۲،۵۰۰،۰۰۰ (دو میلیون و پنجاه هزار افغانی) اعطاء نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع جمال مینه ناحیه سوم، کابل، افغانستان مطابق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.

د افغانستان اسلامي جمهوري دولت  
دولت جمهوري اسلامي افغانستان  
معينيت مالي و اداري  
رياست تهييه و تداركات  
امریت تداركات ساختماني  
مدیریت عمومی تداركات ساختمانی

## «اطلاعیه تصمیم اعطای قرارداد»

بدینوسیله به تا سی از فقره (۲) ماده چهل و سوم قانون تدارکات به اطلاع عموم رسانیده می‌شود، که ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري در نظر دارد قرارداد اعمار یک باب کلینیک حیوانی یک اتاقه قریه چهل تن ولسوالی برکی برک ولایت لوگر را به شرکت ساختمانی و سرکسازی الکاسب توفیق دارنده جواز نمبر (۳۳۹۲۰) واقع کارته نو همجوار مکتب هاشم میوندوال، کابل، افغانستان به قیمت مجموعی ۷۸۸،۰۰۰ (هفتصد و هشتاد و هشت هزار افغانی) اعطاء نماید. اشخاص حقیقی و حکمی که هرگونه اعتراض در زمینه داشته باشند، می‌توانند اعتراض خویش را از تاریخ نشر این اعلان الی هفت روز تقویمی طور کتبی توأم با دلایل آن به ریاست تدارکات وزارت زراعت، آبیاری و مالداري واقع جمال مینه ناحیه سوم، کابل، افغانستان مطابق احکام ماده پنجاهم قانون تدارکات ارائه نمایند. این اطلاعیه به معنی عقد قرارداد نبوده و الی تکمیل معیاد فوق‌الذکر و طی مراحل قانونی بعدی، قرارداد منعقد نخواهد شد.



قرضه برای شرکت‌های کوچک-متوسط

قرضی بانک برای رشد و پیشرفت کاروبار و پیش برد پروژه های تان قرضه های کوچک و متوسط را با اسهترین شرایط به شما پیشنهاد میکند. تمام تجاران افغان که سه پروژه فعل دارند، میتوانند این قرضه که مدت بازپرداخت آن بطور انعطاف از یک الی دو سال میباشد، بدست بیاورند.

www.aziziBank.af 1515

عزیزی بانک  
Azizi Bank

## چرا افکار عمومی از تفنگ در برابر قانون در فاریاب حمایت کرد؟

خادم حسین کریمی

پس از روزها التهاب و تنش در فاریاب، سرانجام ارگ ریاست جمهوری افغانستان از حکم تقرر داوود لغمانی به عنوان والی ولایت فاریاب عقب نشست و عبدالمقیم راسخ، معاون مالی و اداری این ولایت را به عنوان سرپرست ولایت فاریاب تعیین کرد. با لغو حکم تقرر داوود لغمانی از مقام ولایت فاریاب که در این مدت به دلیل اعتراض‌های گسترده مردمی در شهر میمنه، در مقر لوای ارتش به سر می برد، عجلتاً اعتراض‌های مردمی در شهر میمنه فروکش کرده است.

اعتراض‌ها به تقرر آقای لغمانی به عنوان والی فاریاب در مرکز این ولایت اما صرفاً یک اعتراض نبود. زنگ هشدار ترس آور و مستعد تبدیل شدن شمال به یک آشوب خطرناک بود. صدها نفر، با حمل سلاح‌های سبک و سنگین، برافراشتن پرچمی غیر از پرچم ملی، بستن دروازه‌ی ادارات دولتی و تهدید به استعمال اسلحه در صورت برخورد مسلحانه‌ی حکومت با آن‌ها، اتوریته‌ی نهاد دولت را به چالش کشیده و برخلاف همه‌ی قوانین نافذ کشور، شهر میمنه را در قرق قرار دادند.

تظاهرات مسلحانه، حمل انواع اسلحه‌ی سبک و سنگین به صورت آشکار، حمل پرچمی غیر از پرچم ملی، بستن دروازه‌ی ادارات دولتی و تهدید به استفاده از اسلحه در برابر نیروهای امنیتی، بی‌اعتنایی و نقض گسترده و صریح جمیع قوانین نافذه‌ی کشور و در صدر آن‌ها قانون اساسی است. با این وصف، افکار عمومی افغانستان از تفنگ در برابر قانون در فاریاب به صورت گسترده اعلام حمایت و رضایت کردند. افکار عمومی افغانستان از نقض قانون اساسی، تظاهرات مسلحانه، تحقیر شدن اتوریته‌ی دولت و برافراشته شدن پرچمی غیر از پرچم ملی در فاریاب نه تنها حمایت کردند که این مجموعه رفتارها را به صلاح کشور نیز دانستند.

در کشوری که برای سال‌های متوالی غیبت قانون، حاکمیت اسلحه، غیبت نهاد دولت و اتوریته‌ی دولتی، اعتراض‌ها و مخالفت‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز و برافراشته شدن نمادها و پرچم‌های متفاوت، حجم سنگینی از آسیب، کشتار، هرج و مرج، خونریزی و ویرانی را بر مردمانش تحمیل کرده، چه اتفاق و اتفاق‌هایی افتاده است که باعث شده مردمی تشنه به قانون، زیست مسالمت‌آمیز و حاکم شدن اقتدار دولتی، از تفنگ در برابر قانون، نقض قانون اساسی و واکنش سیاسی مسلحانه به صورت گسترده اعلام حمایت کرده و آن را در راستای تأمین خیر و صلاح مملکت بدانند؟ این پرسش تکان‌دهنده و حیرت‌آور است. پاسخ آن را باید در تصمیم‌ها و رویکردهای ویرانگر و فاجعه‌باری جست‌وجو کرد که رهبری و زعامت افغانستان در دست کم شش سال گذشته روی دست گرفته است.

با شکل گیری نظم سیاسی جدید در افغانستان پس از حدود دو دهه هرج و مرج، بی‌نظمی و جنگ، افغانستان از زیر آوار



پس از چند سال اعتراض‌های گسترده، جنبش‌های معترض و مدنی افغانستان زیر فشار سرکوب و رویکرد امنیتی-استخباراتی حکومت افغانستان له شدند. نسل جدید افغانستان پس از چند بار سرکوب اعتراض‌های مدنی توسط حکومت، به ناامیدی عمیقی سقوط کرد.

فرهنگ اعتراض مدنی و مسالمت‌آمیز، به عنوان پدیده‌هایی برخاسته از روح قانون اساسی جدید افغانستان، این جنبش‌ها می‌توانست به ابزارها و امکان‌های سیاسی و مدنی دولت و مردم افغانستان در برابر فرهنگ شورش، مخالفت مسلحانه و هرج و مرج تبدیل شود. اما برعکس، حکومت افغانستان نه تنها به این جنبش‌های مدنی و در کلیت آن، فرهنگ و روش اعتراض مسالمت‌آمیز و مدنی به عنوان ارزش و دستاورد و فرصت ندید که همراه با این جنبش‌ها به عنوان خطر و تهدید برخورد کرد.

پس از چند سال اعتراض‌های گسترده، جنبش‌های معترض و مدنی افغانستان زیر فشار سرکوب و رویکرد امنیتی-استخباراتی حکومت افغانستان له شدند. نسل جدید افغانستان پس از چند بار سرکوب اعتراض‌های مدنی توسط حکومت، به ناامیدی عمیقی سقوط کرد. هر نوع اعتراض خشونت‌آمیز و مصادیق غیرمدنی راهپیمایی‌ها و واکنش‌های اعتراضی را آفت و عیب برمی شمردند و سعی می‌کردند از ارتکاب آن امتناع کنند، آرام آرام، ترم «جامعه‌ی زدن» را به جای «جامعه‌ی مدنی» باب کردند. خشم ناشی از سرکوب مکرر توسط حکومت با همراهی طرفداران رویکردهای غیرمدنی اعتراضی، ترم «جامعه‌ی زدن» را به عنوان روش مطلوب و نتیجه‌بخش علم کردند. حتا بخش بزرگی از هواداران پروپاقرص شیوه‌های مدنی و مسالمت‌آمیز اعتراض، در برابر این کودتا خلع سلاح شدند. آن‌ها دفاعیه‌ای در برابر دوام حمایت از اعتراض‌های مدنی نداشتند. حکومت افغانستان با رفتارهای شرم‌آور و ویرانگر در برابر یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌ها و ارزش‌های افغانستان جدید، کاروان حامیان اعتراض مدنی و کنشگری مدنی را خلع سلاح کرد.

نسلی که در طول سالیان درازی به کنش و شیوه‌ی مدنی دادخواهی و اعتراض‌شان افتخار می‌کردند و با دریایی از انرژی، امید و تعهد به روش‌شان، سعی می‌کردند روش‌های خشونت‌پرهیز و مسالمت‌آمیز اعتراض و دادخواهی را بر فرهنگ شورش و اعتراض با تفنگ و شیبخون غالب کنند، اکنون، علم‌شدن تفنگ در برابر قانون و رزه‌ی غیرنظامیان مسلح به کلاشینکوف و آرپی جی در جاده‌های شهر میمنه را حمایت می‌کنند. پیروزی تفنگ بر قانون و غلبه‌ی خشونت بر روش‌های مسالمت‌آمیز زندگی و کنش اجتماعی و سیاسی، فاجعه‌ای بود که حکومت افغانستان در هفت سال گذشته رقم زد. در کشوری که تشنگی مقدس به زیست مسالمت‌آمیز و آرامش سال‌هاست که سیراب نشده، خوراندن زهر تفنگ و خشونت به حلق تشنه‌ی زیست مسالمت‌آمیز و مدنی، صرفاً از عهده‌ی کسانی برمی‌آید که در مقام سخن از رفاه و توسعه و مدیریت سالم سیاسی سخن می‌گویند اما در عمل فاجعه‌ی پیروزی تفنگ در برابر قانون را رقم می‌زنند.

بدویت به مدنیت بود. پس از یک و نیم دهه از آغاز نظم سیاسی جدید، ظرفیت جامعه‌ی مدنی و کنشگری مدنی افغانستان جدید به ناگهان در پاییز ۱۳۹۴، در یکی از پویاترین اشکال به سطح آمد. جنبش تبسم با ده‌ها هزار عضو در اعتراض به کشتار غیرنظامیان هزاره توسط طالبان و ناکارآمدی تدابیر و سیستم امنیتی دولت افغانستان به خیابان‌های کابل سرازیر شد. یکی از درخشان‌ترین مصداق‌های فرهنگ و کنشگری مدنی توسط جامعه‌ی مدنی که یک و نیم دهه بی‌سروصدا رشد کرده بود، در خیابان‌های کابل به منصفی اجرا گذاشته شد. راهپیمایی مدنی، مسالمت‌آمیز و تحسین‌برانگیز که یک مطالبه‌ی قانونی، مشروع و قابل دفاع را با خودش حمل می‌کرد. حکومت افغانستان در نخستین ساعاتی که جنب‌وجوش مدنی برای شکل‌گیری این جنبش و راهپیمایی تاریخی آغاز شده بود، با رویکرد امنیتی-استخباراتی، تمام توان و ظرفیت‌اش را بسیج کرد تا به هر طریق ممکن این جنبش مدنی را در نظفه سرکوب و از برگزارشدن راهپیمایی آن جلوگیری کند. در طول راهپیمایی، شبکه‌ی بزرگ در درون حکومت مأموریت یافت تا به جای درک، تأمل و برخورد مسئولانه با مطالبات جنبش و احساسات جریحه‌دارشده‌ی معترضان، هیجان و احساسات آن‌ها را برای خلق کردن فرصت سرکوب معترضان تحریک کنند.

بدین ترتیب این شبکه موفق شد با رویکرد استخباراتی و تخریبی، جنبش تبسم را به مسلخ سرکوب کشانده و با تحریف و سبوتاژ مطالبات و نمایندگی‌شان، یکی از درخشان‌ترین جنبش‌های مدنی تاریخ کشور را عقیم کند. پس از جنبش تبسم در طول دو سال بعد، حکومت افغانستان با رویکردهای مشابه و البته شدیدتر امنیتی و استخباراتی، دو جنبش مدنی دیگر را نیز به زانو درآورد. جنبش روشنایی و جنبش رستاخیز تغییر هرکدام با حیل‌های استخباراتی و امنیتی حکومت، فشار سیاسی و سرکوب مستقیم با گلوله و باتوم، از پا درآمد. پس از دست‌کم سه ماه امتناع خلل‌ناپذیر حکومت از پذیرش مطالبات قانونی و مشروع جنبش روشنایی و عدم کفایت در تأمین امنیت راهپیمایی‌های مدنی و مسالمت‌آمیز این جنبش، در ۲ اسد ۱۳۹۵ حمله‌ی تروریستی ناشی از بی‌کفایتی امنیتی حکومت، جنبش روشنایی را در دهم‌زنگ کابل متلاشی کرد. در تابستان ۱۳۹۶، راهپیمایی مدنی جنبش رستاخیز تغییر در جاده‌های کابل با گلوله، باتوم و تانک حکومت زمین‌گیر شد.

جنبش‌ها و راهپیمایی‌های مدنی و در کلیت آن، فرهنگ اعتراض مدنی و طرح مسالمت‌آمیز مطالبات سیاسی-مدنی توسط شهروندان، بدون تردید یکی از چند دستاورد و ارزش نظم قانون اساسی جدید افغانستان است. در صورت برخورد مسئولانه و هشیارانه‌ی حکومت با



فروشگاه F45  
افتتاح شد!

F45

سرک عمومی قلعه فتح الله، بین سرک ۸ و ۹، سعادت پلازا، کابل - افغانستان.

www.f45.af/info